۸۳۰۰۸

بررسی تحولات بخش مالی اقتصاد ایران در دهه ۷۰ و تحلیل ارتباط آن با بخش واقعی

دکتر رضا شیوا*

مقدمه

بانک‌ها، بازار اوراق بهادار،مؤسسات بیمه، مؤسسات مالی غیر بانکی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بازارهایی را پدید می‌آورند که بخش مالی اقتصاد را تشکیل می‌دهند. از جمله نمودهای این بخش، بازارهای مالی هستند که خود به دو بازار پول و سرمایه قابل تفکیک است. بر همین مبنا، ساختار مالی یک کشور می‌تواند ساختار مبتنی بر محوریت بازار پول یا محوریت بازار سرمایه باشد. در کشورهای توسعه یافته، معمولاً بازار سرمایه محور اصلی تأمین مالی است و در مقابل در اغلب کشورهای در حال توسعه، این بازار پول است که در کانون ساختار مالی قرار دارد.

در مقابل بخش مالی، بخش حقیقی را داریم که در کنار هم نظام اقتصادی یک جامعه را شکل می‌دهند و وجود این دو بخش کارآمد حقیقی و مالی است که عملکرد بهینه نظام اقتصادی را در یک جامعه می‌تواند به همراه داشته باشد. به طوری که، ناکارآمدی هر یک از این دو بخش بر کارکرد بخش دیگر اثر منفی گذاشته، تعادل با ثبات و بلندمدت نظام اقتصادی را دچار مخاطره می‌کند.

مطالعات تجربی و نظری زیادی توسط افرادی چون گلد اسمیت(۱۹۶۹)، رومر(۱۹۹۰)، راس لوین(۱۹۶۹)، در خصوص ارتباط بین بخش مالی و بخش حقیقی - در ابعاد مختلف

---

* عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران.

زمانی و مکانی - صورت گرفته است. نتایج این مطالعات اشاره به این دارد که رشد یـا عـدم رشد اقتصادی ارتباط مستقیم با درجه توسعه یافتگی بخش مالی دارد، به طوری که حتی در برخی موارد بخش مالی را موتور و جزء لاینفک توسعه دانسته‌اند. البته شایان ذکر اسـت کـه مطالعات انجام شده در زمینه چگونگی رابطه بین بخش حقیقی و بخش مالی، منجر به نتایج متفاوتی شده است. در کشورهای توسعه یافته، این رابطه بیشتر دو طرفه بوده و تـأثیر رشـد این دو بخش بر یکدیگر حالت متقابل دارد. اما در کشورهای در حال توسـعه ایـن رابطـه در برخی موارد(کشورهای جنوب شرق آسیا) از طرف بهبود بخش مالی به طرف توسـعه بخـش حقیقی است و در برخی دیگر از این کشورها، این رابطه از طرف توسـعه بخـش حقیقـی بـه سمت گسترش بخش مالی بوده است.

با توجه به اهمیت بخش مالی در توسعه بخش حقیقی و نتیجتـاً در رشـد اقتصـادی، در این مقالـه سـعی بـر آن خواهـد بـود کـه تحـولات بخـش مـالی طـی دهـه ۷۰ بـه واسـطه شاخص‌هایی چون: $\frac{M_1}{GDP}$، $\frac{M_2}{GDP}$، $\frac{\text{حجم تسهیلات سیستم بانکی به بخش خصوصی}}{GDP}$ و $\frac{\text{حجم تسهیلات سیستم بانکی به بخش دولتی}}{GDP}$ و شـاخص‌هایی نظـیر آنـها و بـا اسـتفاده از نرم‌افزارهایی از قبیل Excel 97 و Eviews 3 مـورد بررسـی قـرار بگـیرد. در مرحلـه بعـد، تحولات بخش حقیقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای این منظور و جـهت ارائـه یـک تحلیل دقیق‌تر در این قسمت ما بخش واقعـی را بـه ۳ بخـش کشـاورزی،خدمـات و صنعـت تقسیم کرده، ارزش افزوده آنها را به عنوان شاخص‌های بیـان کننـده تحـولات ۳ بخـش یـاد شده، با شاخص‌های مالی در بازار پول و سرمایه مقایسه خواهیـم کـرد. ایـن مقایسـه امکـان پاسخ‌گویی به این سئوال که؛ آیا گسترش بخش مالی گسترش بخـش حقیقـی را بـه دنبـال دارد یا خیر؟ را فراهم خواهد کرد.

فصل اول:

بررسی و تحلیل ساختار بخش مالی اقتصاد ایران و محدودیت‌های آن

در حال حاضر سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات اعتباری غیر بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه، نهادهای عمده مالی کشور را شکل می‌دهند. اما در این طرح به دلیل وجود محدودیت‌های آماری، تنها بورس اوراق بهادار تهران، سیستم بانکی و مؤسسات مالی غیر بانکی مدنظر قرار داده شده و بر مبنای اطلاعات و آمار موجود، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱-۱- بورس اوراق بهادار تهران

بورس اوراق بهادار در بهمن ۱۳۴۶ ، با انجام معاملات روی سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، فعالیت خود را شروع کرد. در سال ۱۳۴۷ سهام چند شرکت جدید تولیدی به بورس راه یافت و اسناد خزانه و قبوض اصلاحات ارضی نیز در بورس پذیرفته شدند که در نتیجهٔ آن، بر حجم معاملات انجام شده اضافه شد. در سال‌های بعد با شروع معاملات مربوط به اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه نوسازی عباس‌آباد، این بازار توسعه بیشتری یافت. در سال ۱۳۵۱ اجرای برنامه گسترش مالکیت صنعتی و برقراری معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، منجر به افزایش فعالیت در آن شد. سرانجام در سال ۱۳۵۳ با سهیم شدن کارگران و کشاورزان و عموم مردم در سهام شرکت‌های تولیدی، حیات واقعی بورس اوراق بهادار تهران شروع شد. در راستای گسترش هرچه بیشتر این بازار، در سال ۱۳۶۶ و به موجب ماده ۲۰ قانون واردات و صادرات، تعریف اوراق بهادار تهران گسترش داده شد. به طوری که؛ واریز برنامه‌های ارزی صادراتی را نیز شامل گردید. طبق تعریف قبلی بر مبنای قانون تأسیس بورس اوراق بهادار (سال ۱۳۴۵)، اوراق بهادار عبارت بود

ازسهام شرکت‌های سهامی و اوراق قرضه صادر شده از طریق شرکت‌ها و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و خزانه‌داری کل، که قابل معامله و نقل و انتقال باشند.

فعالیت‌های بورس اوراق بهادار تهران

برای بررسی فعالیت‌های بورس اوراق بهادار تهران،فعالیت‌های مربوطه رابه ۳دوره زمانی:

الف-۱۳۴۵-۱۳۵۷

ب-۱۳۵۷-۱۳۶۸

پ-۱۳۶۸-۱۳۷۸

تقسیم می‌کنیم. دوره اول، از ابتدای تأسیس آن تا انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد که دوره معرفی و شناساندن بورس به اقتصاد ایران است. دوره دوم، بیشتر شامل سال‌هایی است که به دلیل وقوع جنگ، بورس رکود و سکون را تجربه می‌کرد و دوره سوم، از اواسط سال ۱۳۶۸ شروع و تا دوره تعدیل اقتصادی و سال ۱۳۷۸ (آخرین سال برنامه دوم) منتهی می‌شود.

الف-دوره اول از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷

حجم معاملات بورس در اولین سال تأسیس(دو ماهه آخر سال ۱۳۴۶) حدود ۱۵ میلیون ریال بود . در سال ۱۳۴۷ که تعدادی شرکت تولیدی به بورس راه یافتند و اسناد خزانه دولت و قبوض اصلاحات ارضی نیز در بورس پذیرفته شد و بر حجم معاملات بورس افزوده گشته و تعداد شرکت‌ها و بانک‌های پذیرفته شده در بورس از ۶ شرکت با سرمایه ۲/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۷ به ۱۰۲شرکت باسرمایه ۲۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت و همچنین حجم معاملات در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۴۴میلیارد ریال گردید، که بالاترین میزان معامله در طول مدت فعالیت بورس در این دوره است، مجموع معاملات انجام شده بر روی اوراق قرضه - در دوره۱۱ساله مذکور - بالغ بر ۶۷ میلیارد ریال گردید. با توجه به اینکه طی دوره ۵۷-۱۳۴۸ جمعاً ۱۳۹۰ میلیارد ریال اوراق منتشر گردید، این حجم از معاملات اوراق قرضه نسبت به اوراق قرضه منتشر شده، فقط ۴/۸ درصد بود (جدول ۱-۱).

گسترش نسبی فعالیت بورس اوراق بهادار تهران در این دوره را می‌توان بیشتر مرهون

قوانین و مقررات دولتی دانست؛ که تصویب قانون گسترش مالکیت سهام واحدهای تولیدی در اردیبهشت سال ۱۳۵۴ از جمله این قوانین است.

قانون دیگری که در اعتلای فعالیت بورس نقش داشت، قانون معافیت مالیاتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بود، که آن هم در سال ۱۳۵۴ تصویب شد.

جدول ۱-۱- معاملات سهام و اوراق قرضه(۵۷-۱۳۴۶)

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	حجم کل معاملات سهام	حجم کل معاملات اوراق قرضه	حجم کل
۱۳۴۶	۰/۱۵	-	۰/۰۱۵
۱۳۴۷	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۰۱۲
۱۳۴۸	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۱۳
۱۳۴۹	۰/۱۰	۰/۰۲	۰/۰۱۲
۱۳۵۰	۰/۱۴	۰/۲۵	۰/۰۳۹
۱۳۵۱	۰/۳۳	۰/۸۶	۱/۱۹
۱۳۵۲	۱/۳۲	۱/۴۵	۲/۷۷
۱۳۵۳	۶/۵	۴/۴۶	۱۰/۹۶
۱۳۵۴	۱۰/۷	۷/۳	۱۸/۰
۱۳۵۵	۲۱/۱	۱۷/۲	۳۸/۳
۱۳۵۶	۱۹/۵	۲۴/۹	۴۴/۴
۱۳۵۷	۲۳/۴	۱۰/۸	۳۴/۲
جمع	۸۳/۲۲	۶۷/۳۷	۱۵۰/۵۹

مأخذ: سالنامه‌های بورس اوراق بهادار تهران.

ب-دوره دوم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۵۷

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، بسیاری از صاحبان سرمایه،کارفرمایان و مدیران صنایع، مجبور به ترک کشور و یا کناره‌گیری از کار شدند. عرضه شدید سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، قیمت‌های سهام این شرکت‌ها را به حدی پایین آورد که صاحبان سرمایهٔ اندک، تقریباً سهام خود را سوخت شده تلقی می‌کردند.

تا بهمن ۱۳۵۷، تعداد شرکت‌ها و مؤسسات پذیرفته شده در بورس، ۱۰۵ واحد مشتمل بر ۱۳۷۹ شرکت تولیدی، ۲۴ بانک و۲ شرکت بیمه بود. در خرداد ۱۳۵۸ و به دنبال تصویب قانون ملی شدن بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، سهام کلیه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای از فهرست بورس حذف گردید. به دنبال آن سهام شرکت سهامی انبارهای گمرک ایران نیز، با ملی شدن این شرکت در سال ۱۳۵۹، از فهرست بازار بورس حذف گردید.

در تیرماه ۱۳۵۸ و به دنبال تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع، تعدادی از شرکت‌های باقی مانده در بورس مشمول قانون مزبور شده و از بورس کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب بود که از تعداد۱۰۵ شرکت که در پایان سال ۱۳۵۷ عضو بورس اوراق بهادار تهران بودند؛ ۲۹ بانک، شرکت بیمه، مؤسسه اعتباری و شرکت انبارهای عمومی، به دلیل ملی شدن و ۱۷شرکت نیز به این دلیل که مشمول قانون حفاظت و توسعه صنایع بودند، از عضویت بورس خارج شدند. در نهایت در پایان سال ۱۳۶۲ جمعاً ۵۹ شرکت در بورس باقی ماند.

رویداد دیگری که در این دوره واقع شد، ربوی تشخیص دادن معاملات اوراق قرضه به دلیل تعلق بهره ثابت به آنها، در سال ۱۳۶۲، بود. این مسئله باعث شد که سهم جزئی و باقی مانده معاملات اوراق قرضه نیز از بورس حذف شود.

حجم کل معاملات بورس در سال۱۳۵۷، جمعاً ۳۴/۲ میلیارد ریال بود که ۲۹/۳ میلیارد ریال آن در شش ماهه اول و ۴/۹ میلیارد آن در نیمه دوم سال انجام گرفت. در سال ۱۳۵۸جمعاً ۴۱/۶ میلیون ریال اوراق بهادار مورد معامله قرار گرفت و در سال ۱۳۵۹ فعالیت بورس اوراق بهادار تهران، به دلیل ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی داخلی و شروع جنگ، بسیار محدود شد و تنها معاملات ناچیزی (به مبلغ ۵۳۸ میلیون ریال) صورت گرفت.

طی سه سال متوالی بعد از آن، یعنی سال‌های ۱۳۶۰،۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ ، سیر قهقرایی بورس کماکان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۶۲ حجم معاملات به کمترین حد، در طول تاریخ فعالیت خود، یعنی ۰/۰۱ میلیارد ریال رسید.

از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ روند صعودی اما کند معاملات بورس را شاهد بودیم و همچنان برداشت منفی در جامعه، در خصوص فعالیت بورس باقی بود. ادامه جنگ با عراق و تشدید تنگناهای اقتصادی موجود از عوامل مهم توقف رشد معاملات بورس اوراق بهادار در این دوره به شمار می‌رفت. به طوری که، بعد از پذیرفته شدن قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از طرف

ایران در سال ۱۳۶۷، آثار بهبود در وضع معاملات بورس نیز آشکار شد. به ایـن صـورت کـه، حجم معاملات در سال ۱۳۶۷، در مقایسه با سال قبل از آن، ۶/۲ برابر افزایش و تعداد سـهام معامله شده نیز ۳/۶ برابر افزایش نشان می‌داد (جدول ۲-۱).

جدول ۲-۱- معاملات سهام و اوراق قرضه (۶۷-۱۳۵۸)

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	حجم کل معاملات سهام	حجم کل معاملات اوراق قرضه	حجم کل
۱۳۵۸	۰/۰۳	۴/۰۷	۴/۱
۱۳۵۹		۰/۵	۰/۵
۱۳۶۰		۰/۰۴	۰/۰۴
۱۳۶۱	۰/۰۰۲	۰/۰۴۸	۰/۰۵
۱۳۶۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹
۱۳۶۳	۱/۱		۱/۱
۱۳۶۴	۱/۲		۱/۲
۱۳۶۵	۱/۷		۱/۷
۱۳۶۶	۱/۶		۱/۶
۱۳۶۷	۹/۹		۹/۹
جمع کل	۱۵/۵۳۸	۴/۶۶۱	۲۰/۱۹۹

مأخذ: سالنامه بورس اوراق بهادار تهران.

پ- دوره سوم از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ (دوره احیای بورس)

بعد از قبول قطعنامه سازمان ملل در خصوص توقف جنگ ایران و عـراق (سـال ۱۳۶۷) و تدوین و تصویب اولین برنامه عمرانی ۵ ساله جمهوری اسلامی ایران، بازسـازی خرابی‌هـای ناشی از جنگ و اصولاً بازسازی ساختار اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفت. نگرش منفـی

مربوط به فعالیت بورس اوراق بهادار نیز تا حدودی تعدیل شد و از اواسط سال ۱۳۶۷، بورس اوراق بهادار تهران دوران فعالیت تازه‌ای را آغاز نمود.

در سال ۱۳۶۸ ، با توجه بـه شـروع برنامـه ۵ سـاله اول توسـعه اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگی و بخصوص در اجرای تبصره ۴ و ۳۷ قـانون برنامـه ۵ سـاله – در ارتبـاط بـا قـانون واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی – و نیز کاهش فشار به دولت در زمینـه بخش صنعت و به طور کلی خصوص سازی، موجبات آغاز رونـد رشـد بـورس تـهران فراهـم گردید؛ به طوری که کل معاملات بورس تهران در سـال ۱۳۶۸ از ۱۱/۱ میلیـارد ریـال، طـی ۱۰سال، به رقم ۳۱/۶۰۰ میلیارد ریال – یعنی حدود ۲۸۰ برابـر – در سـال ۱۳۷۷ افزایـش یافت. همچنین تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بـورس از ۶۷ شـرکت در سـال ۱۳۶۸ بـه ۲۸۱ شرکت در سال ۱۳۷۷ – یعنی در حدود ۴ برابر – رسید. (جدول ۳-۱).

جدول ۳-۱- ارزش معاملات و شرکت‌های پذیرفته شده (۷۷-۱۳۶۸)

(میلیارد ریال)

سال	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
ارزش معاملات	۱۱/۱	۶۴/۷	۴۷۸/۳	۳۵۲/۱	۵۱۵/۷	۷۹۳/۴	۱۸۸۰/۶	۴۳۸۱/۶	۲۰۱۷/۶	۳۱۱۶/۷
تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس	۷۶/۰					۱۶۳/۰	۱۹۸/۰	۲۴۶/۰	۲۶۳/۰	۲۸۱/۰

مأخذ: سالنامه بورس اوراق بهادار تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی عملکرد بازار بورس در این دوره نشان می‌دهـد کـه؛ هنگـامی کـه عرضـه سـهام توسط بخش عمومی و سیستم بانکی افزایش می‌یافته، بر حجم فعالیت‌های آن افزوده شده و در غیر این صورت با رکود اجباری مواجه بوده اسـت.جـدول (۴-۱) ایـن امـر را بـهتر نشـان می‌دهد.

جدول ۴-۱- سهام عرضه شده توسط بخش عمومی،بانک‌ها و بخش خصوصی(۷۷-۱۳۶۸)

نام عرضه‌کنندگان	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
سازمان‌ها	۰	۱۰/۹	۲۳۰/۷	۱۲۵/۲	۱۷۹/۳	۲۷۴/۵	۳۵۹/۵	۱۱۲۶/۸	۱۲۴/۸	۷۱۱/۱
بنیادها	۰/۱	۰/۲	۶/۴	۶/۴	۳/۳	۷/۵	۹/۲	۲۰۹/۲	۱۲۷/۹	۳۷/۰
وزارت صنایع	۰	۰	۰/۰۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سیستم بانکی	۴/۵	۲۲/۴	۱۲۱/۳	۸/۴	۱۹۳/۸	۱۱۴/۳	۴۹۲/۴	۴۲۸/۳	۸۷/۰	۴۳۱/۶
بانک مرکزی	۰/۷	۰	۰	۰	۰	۰	۷۲/۱	۰	۰	۰
بانک‌های تجاری	۰/۶	۰/۱	۳۳/۹	۷/۸	۰	۹۲/۷	۲۹۱/۸	۲۳۳/۷	۱۱۸/۰	۳۸۶/۲
بانک‌های تخصصی	۳/۲	۲۲/۳	۸۷/۴	۰/۶	۱۹۳/۸	۲۱/۶	۱۲۸/۵	۱۹۴/۶	۸۵/۲	۴۵/۴
جمع بخش عمومی بانک‌ها	۴/۶	۳۳/۴	۳۵۸/۵	۱۴۰/۰	۳۷۶/۴	۳۹۶/۳	۸۶۱/۱	۲۱۹۲/۶	۴۲۶/۷	۱۶۱۱/۳
بخش خصوصی	۶/۵	۳۱/۳	۱۱۹/۸	۲۱۲/۱	۱۳۹/۲	۳۹۷/۱	۱۰۱۹/۵			
جمع کل	۱۱/۱	۶۴/۷	۴۷۸/۳	۳۵۲/۱	۵۱۵/۶	۷۹۳/۴	۱۸۸۰/۶			

مأخذ: گزارش اقتصادی ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

: سازمان بورس اوراق بهادار تهران، اداره بررسی‌های اقتصادی.

از پدیده‌های دیگر این دوره در بازار سرمایه، تصویب انتشار اوراق مشارکت در سال ۱۳۷۳ توسط شورای پول و اعتبار بود. با توقف فروش اوراق قرضه به مردم - به دلیل ماهیت ربوی آن - تا سال ۱۳۷۳ عملاً هیچگونه ابزار جایگزین برای آن مشخص نگردیده بود. در سال ۱۳۷۳، اولین سری اوراق مشارکت با قابلیت انتقال به غیر و تسهیم صاحبان آن در سود حاصله برای اجرای یک طرح بزرگ ساختمانی منتشر گردید. از آنجایی که عملکرد اوراق مشارکت شبیه اوراق قرضه است، می‌تواند ضمن تأمین سرمایه برای پروژه‌های عمرانی و تولیدی، در جهت کاهش رشد نقدینگی و جذب پول‌های سرگردان در دست مردم به کار گرفته شود. شایان ذکر است که این اوراق برای اولین بار در مردادماه سال ۱۳۷۵ در بورس اوراق بهادار تهران مورد معامله قرار گرفت.

سیستم بانکی و تحولات آن در دوره بعد از انقلاب

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ۳۶ بانک شامل ۷ بانک بـا فعالیت‌هـای تخصصـی،۲۶ بانک با فعالیت‌های تجاری و ۳ بانک با فعالیت‌هـای ناحیـه‌ای در ایـران فعـالیت داشـتند. بـا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، نظام سیاسی و اقتصادی ایران دگرگون شد و در عرصهٔ اقتصاد، نظـام بـانکی دچـار تحـولات عمـده‌ای شـد. مثـلاً در خردادمـاه ۱۳۵۸ همـه بانک‌های خصوصی و مختلط، ملی اعلام شد. به دنبال این قانون کلیه بانک‌های موجـود در ۶ بانک تجاری،۳ بانک تخصصی و بانک‌های استان به شرح زیر ادغام شدند. بانک‌هـای تجـاری کشور عبارتند از:

۱- بانک ملی۲- بانک سپه ۳- بانک رفاه کارگران ۴- بانک صادرات ۵- بـانک تجـارت (از ادغام بانک‌های: ایران انگلیس، اعتبارات ایران، ایران و خاورمیانه، ایران و هلند، بـازرگـانی ایران، ایرانشهر، صنایع ایران، شهریار، ایرانیان، کار، بین‌المللی ایران و ژاپن و ایران و روس).
۶- بانک ملت (از ادغام بانک‌های: تهران، پارس، داریوش، اعتبارات تعـاونی و توزیـع، ایـران و عرب، بین‌المللی ایران، عمران، بیمه ایران، تجارت خارجی ایران و بانک فرهنگیان).

جهت تحصیل ضوابط یکنواخت در اعطای وام و اجرای سیاست واحد به منظور پیشـبرد فعالیت‌های تخصصی؛ در زمینه مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن، بانک‌های تخصصـی ملـی شده و بانک‌های مشابه دولتی، در رشته مربوطه، به ترتیب زیر ادغام شدند:

۱- بانک صنعت و معدن، از ادغام بانک‌هـای اعتبـارات صنعتـی، توسـعه صنعتـی و معدنـی ایران، توسعه سرمایه‌گذاری ایران، شرکت سرمایه‌گذاری بانک‌های ایران،صندوق ضمـانت صنعتی و صندوق معدن، تشکیل شد.
۲- بـانک مسـکن، از ادغـام بانک‌هـای رهنـی ایـران، سـاختمان، شـرکت سـرمایه‌گـذاری ساختمانی، بانک‌های ایران و شـرکت پس‌انـداز و وام مسـکن شـهرهای، تـبریز، شـیراز، اصفهان، اهواز، گیلان، همدان، کرمانشاه، مازندران، گـرگـان، سـمنان و آبـادان، تشـکیل گردید.
۳- بانک کشاورزی، از ادغام بانک توسعه کشاورزی ایران، بانک تعـاون، کشـاورزی ایـران، و کلیه مؤسسات اعتباری وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی، به وجود آمد.
۴- بانک‌های استان، با استفاده از کلیه شعب بانک صادرات در هر استان، تشکیل گردید.

به دنبال این تغییر و تحولات، کل واحدهای بانکی از ۸،۲۷۵ واحد در پایان اسفند ۱۳۵۷ به ۶،۵۳۰ واحد تقلیل یافت.

تحول عمده دیگری که سیستم بانکی کشور شاهد آن بوده است؛ تصویب لایحه عملیات بانکی بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲ بود. در گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال۱۳۶۲ در خصوص آثار این قانون بر سیستم بانکی کشور چنین آمده است. در نظام جدید بانکی بر خلاف گذشته صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، پس‌اندازهای خود را از طریق بانک‌ها در فعالیت‌های مختلف اقتصادی سرمایه‌گذاری نموده و از منافع آن در حال حاضر بدون تحمل ریسک برخوردار خواهند شد. بدیهی است که بانک‌ها در زمینه شناخت فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری – چه از نظر بازده بالا و مطمئن و چه از جهت مطابقت آن با مصالح عالیه مملکت – از امکانات وسیع‌تری نسبت به هر یک از سپرده‌گذاران برخوردارند و قادر خواهند بود که از این پس‌اندازها به نحو کاملاً مؤثری، در جهت تأمین منافع مطمئن برای سپرده‌گذاران از یک سو و کمک به پیشبرد اهداف دولت در زمینه رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر استفاده نمایند. با این مقدمه در ادامه به بررسی تغییر و تحولات صورت گرفته طی برنامه‌های اول و دوم توسعه در سیستم بانکی کشور می‌پردازیم.

۱-۲- بررسی تغییر و تحولات سیستم بانکی طی برنامه‌های اول و دوم توسعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف-دوره برنامه اول(۷۲-۱۳۶۸)

پس از برقراری آتش بس در جنگ تحمیلی، تلاش همه جانبه‌ای در خصوص تدوین مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی - در چهارچوب یک برنامه جامع بازسازی و توسعه اقتصادی کشور - آغاز شد که به طور کلی محورهای اصلی مجموعه سیاست‌های جدید اقتصادی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ایجاد فعالیت‌های اقتصادی.
- تأمین رشد در تولید و رفع موانع توسعه تجارت و مناسبات بین‌المللی.
- آزادسازی اقتصادی.

- ایجاد تعادل در قیمت‌های نسبی و گسترش صادرات.

همچنین می‌توان گفت که در قالب فرآیند تعدیل اقتصادی، بهترین اقداماتی کـه دنبـال شد عبارت بودند از:

۱- تصحیح قیمت‌های نسبی و واقعی نمودن قیمت‌ها به ویژه در بخش کشاورزی.

۲- تعدیل و تصحیح ساختار نظام پولی و بانکی و اصلاحات بخش مالی و توسعه بازار سهام.

۳- تعدیل و تصحیح ساختار بازار ارز و واقعی نمودن نرخ ارز در حرکـت بـه سـمت وضعیـت تعادل.

۴- تعدیل و تصحیح ساختار تجارت خارجی با تأکید بر افزایش صادرات غیر نفتی.

۵- تعدیل و تصحیح نظام بودجه‌ای و ساختار مالی دولت با عنایت به گسترش پایه مالیـاتی و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی.

۶- آزادسازی تدریجی اقتصاد با حذف کنترل‌های مقداری و کاهش تعرفه‌های وارداتی.

همزمان با تغییرات اساسی در سیاست‌های ارزی، در راستای سیاست تعدیـل اقتصـادی، به منظور تشویق پس‌اندازها و جذب نقدینگی بیشتر توسط سیستم بانکی، جهت بـه گـردش درآوردن چرخ‌های تولیدی اقتصاد و همچنیـن اسـتفاده منطقـی از منـابع مـالی موجـود در جامعه و حمایت از سیاست‌های متخذه ارزی، تجدید نظر در سیاست‌های پولی نـیز ضـرورت یافت. بدین لحاظ، جهت‌گیری کلی سیاست‌های پولی عمدتـاً تحقـق اهـداف و سیاسـت‌های دولت در چهارچوب برنامه به منظور کنترل تورم و هدایت منابع بانکی به سـمت بخش‌هـای تولیدی بود. این سیاست همچنین اهداف دیگری نظیر افزایـش کـارآیی بـازار پـول، فعـال‌تر نمودن نظام بانکی، منطقی کردن نرخ‌های سود بـانکی و ایجـاد تعـادل در توزیـع تسـهیلات بانکی میان بخش‌های خصوصی و دولتی را دنبال نمود.

در همین راستا، در سال ۱۳۷۰ سقف‌های اعتباری کـه طـی سـال‌های قبـل بـه عنـوان مهم‌ترین ابزار سیاست پولی اعمال می‌شد، تعیین نگردید و بانک‌ها مجـاز شـدند تـا در حـد جذب منابع، پس از ایفای تعهدات قانونی، به اعطای تسهیلات بپردازند. این سیاسـت کـه تـا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت؛ سرانجام به واسطه رشد بیش از حد نقدینگی و تقاضـای روزافـزون بخش‌های مختلف اقتصـادی، همزمـان بـا لغـو سـقف‌های اعتبـاری در سـال ۱۳۷۰، جـهت جلوگیری از گسترش بـی رویـه اعتبـارات، بانک‌هـای تجـاری ملـزم بـه خریـد اوراق قرضـه گردیدند. ولی در سـال ۱۳۷۱ بـا تعدیـلات صـورت گرفتـه در نـرخ ارز و افزایـش نیازهـای

اعتباری به تبع آن، الزام بانک‌ها به خرید اوراق قرضه لغو و در حد جایگزینی اوراق قرضهٔ سررسید شده، محدود گردید. در سال ۱۳۷۲ با توجه به افزایش نیازهای مذکور، بانک مرکزی به تدریج اقدام به آزاد نمودن وجوه جذب شده بابت اوراق قرضه بانک‌ها نمود. لیکن به دلیل پیش‌بینی رشد نقدینگی به میزان بیش از هدف تعیین شده، این امر در مرداد ماه همان سال متوقف شد. نقدینگی در سال ۱۳۷۲ به دلیل انبساط عملیات مالی دولت در اثر تعهدات به وجود آمده از یکسان‌سازی نرخ ارز از رشد بالاتری برخوردار بود. اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی طی سال‌های مذکور موجب افزایش نقدینگی بیش از مقادیر برآورد شده در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شد. بر این اساس، در سال ۱۳۷۳ محدود نمودن رشد نقدینگی، محور سیاست‌های پولی قرار گرفت و بدین ترتیب مجلس شورای اسلامی در چهارچوب قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور، برای بخش‌های دولتی و غیر دولتی سقف‌های اعتباری تعیین کرد.

ب-دوره برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴)

در یک نگاه به سند برنامه دوم، ملاحظه می‌شود که اهداف و سیاست‌های اعلام شده بردو اصل آزاد سازی اقتصادی و خصوصی‌سازی استوار بوده است. ولی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۷۴ در حالی به اجرا درآمد که فشارهای اقتصادی، ادامه روند آزادسازی را عملاً ناممکن ساخته بود. کنترل ارز، افزایش انتظارات تورمی و فشار تقاضا برای خرید کالا و خرید ارز منجر به افزایش ۱۴درصدی در قسمت کالاهای مصرفی در دو ماهه اردیبهشت-خرداد ۱۳۷۴ شده و نرخ تورم در سال مذکور به ۵۰ درصد رسیده بود. بنابراین در راستای مقابله با بحران‌های به وجود آمده، عملاً یک تغییر مجدد استراتژیک نسبت به استراتژی‌های اعلام شده، در برنامه دوم صورت گرفت که از نشانه‌های آن می‌توان به اعمال سیستم ارز چند نرخی، برقراری مجدد کنترل واردات و اعمال سیاست انقباضی پول اشاره کرد.

به دنبال تغییر و تحولات یاد شده در سال ۱۳۷۴، هدف سیاست‌های پولی و اعتباری؛ کنترل تورم – از طریق محدود نمودن تسهیلات بانکی و کاهش سقف تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش‌های دولتی و غیر دولتی – شد. در این سال به دلیل افزایش کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی و تأمین آن توسط بانک مرکزی و به تبع آن رشد پایه پولی،

نقدینگی از رشد قابل ملاحظهٔ ۳۷/۶ درصدی برخوردار بود. در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ محدود نمودن رشد تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش‌های دولتی و غیر دولتی، به منظور کنترل تورم، کماکان مورد توجه سیاست‌گزاران اقتصادی قرار داشت. در جهت نیل به هدف مزبور و بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور مقرر گردید که در این سال حجم اعطای تسهیلات سیستم بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی به گونه‌ای صورت پذیرد که ضمن رعایت سهم‌های مندرج در این قانون(۶۰ درصد بخش خصوصی، ۴۰ درصد بخش دولتی) کل افزایش مانده تسهیلات اعطایی تا پایان سال ۱۳۷۶، به حداکثر به ۸۸۰۰ میلیارد ریال بالغ گردد. در سال ۱۳۷۷ به دلیل کاهش درآمدهای دولت از محل فروش نفت و عدم تحقق برخی درآمدها، کسری قابل توجهی در عملیات مالی دولت بروز نمود. بخش عمده‌ای از این کسری از منابع بانکی تأمین گردید که باعث انبساط پایه پولی و نهایتاً رشد نقدینگی شد، به طوری که در جهت تأمین اهداف پیش‌بینی شده در قانون بودجه – در خصوص مهار تورم - مشکلات جدی ایجاد گردید. به دنبال این امر، بانک مرکزی موظف گردید که برنامه‌های اعتباری و تسهیلات نظام بانکی کشور را بر اساس میزان سپرده‌های جاری و سرمایه‌گذاری پس از کسر تعهدات قانونی به نحوی تنظیم و اجرا کند که اهداف رشد اقتصادی و مهار تورم برنامه دوم تحقق یابد.

۱-۳- محدودیت‌های اعمال شده به سیستم بانکی در دوره بعد از انقلاب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف- نرخ سپرده قانونی

پس از انقلاب در سال ۱۳۶۰، به دلیل ناامنی در زمینه سرمایه‌گذاری از یک سو، و از سوی دیگر با گسترش کسری بودجه دولت به علت هزینه‌های بسیار سنگین بودجه و محدود شدن درآمدهای عمومی و اتکاء بیشتر به سیستم بانکی، فشارهای تورمی بر اقتصاد کشور افزایش یافت و در نتیجه تورم - رکودی بر اقتصاد عارض شد. بررسی اقلام عمده پولی و اعتباری بیانگر حدود ۹۱ درصد افزایش در حجم سپرده‌های بخش خصوصی نزد سیستم بانکی و تنها ۴۰/۱ درصد رشد در حجم وام‌ها و اعتبارات بانکی، از اسفندماه ۱۳۵۷ تا مرداد

ماه ۱۳۶۰، می‌باشد که در نتیجه این روند منابع عظیمی به صورت مازاد منابع در بانک‌ها گرد آمد. بدین لحاظ، شورای پول و اعتبار تصمیم به افزایش نسبت سپرده قانونی جهت کنترل فشارهای تورمی و هدایت اقتصاد کشور از طریق جذب قسمتی از مازاد منابع بانک‌های تجاری و سوق آن در جهت تأمین منابع لازم برای گسترش فعالیت‌های تولیدی از طریق بانک‌های تخصصی گرفت.

در سال ۱۳۶۲ با توجه به ادامه رکود و کسری مداوم بودجه دولت، این تصمیمات تکرار شد و مجدداً نسبت‌های سپرده‌های قانونی افزایش یافت که با توجه به مازاد منابع حدود ۷۱۸/۱ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۶۱ به نظر ضروری می‌رسید. پس از اتمام جنگ تحمیلی و استمرار تورم که عمدتاً به واسطه کسری بودجه دولت و تأمین آن از سیستم بانکی گسترش یافته بود، به همراه تصمیمات دیگر از قبیل الزام بانک‌ها به خرید اوراق قرضه نسبت ذخیره قانونی تغییر یافت.

در دوره ۶۹-۱۳۶۳ به دلیل نزدیک شدن نسبت‌های سپرده قانونی بانک‌های تجاری به سقف قانونی آن (۳۰ درصد) این ابزار توانایی خود را تا حدود زیادی در جهت جذب مازاد منابع بانک‌های تجاری از دست داد و بدین جهت سیاستگزاری بیشتر از طریق برقراری سقف‌های اعتباری اعمال شد. در سال ۱۳۷۰ نسبت‌های سپرده قانونی بانک‌های تجاری در جهت جذب بخشی از مازاد منابع و تشویق بانک‌ها به جذب سپرده‌هایی با نقدینگی کمتر (از جمله سپرده‌های سرمایه‌گذاری معرفی شده در سال ۱۳۶۹) تغییر یافت. در همین راستا، نسبت سپرده قانونی برای سرمایه‌گذاری ۵ ساله در سال ۱۳۷۲ به ۱۰ درصد کاهش یافت و از طرف دیگر در این سال بانک‌های تجاری موظف به احتساب ۳۰ درصد از مانده پیش پرداخت اعتبارات اسنادی به عنوان سپرده قانونی گردیدند. در سال ۱۳۷۴ در راستای اجرای بند (ج) تبصره ۱۰ قانون برنامه دوم، نسبت سپرده قانونی در قبال سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نزد بانک‌های تجاری، معادل ۲۵ درصد در نظر گرفته شد.در سال‌های بعدی نیز از همین سیاست پیروی شد.

ب-اوراق قرضه دولت

بر اساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹، بانک‌ها موظف شدند که

جدول ۵-۱-نسبت‌های سپرده قانونی (۷۹-۱۳۵۲)

(درصد)

سپرده	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۲	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
بانک‌های تجاری																		
دیداری	۳۰	۲۵	۲۵	۲۵	۱۵	۱۲	۱۷	۲۷	۲۷	۲۷	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
قرض‌الحسنه پس‌انداز	۱۵	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۲۵	۲۵	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	۱۵	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
سرمایه‌گذاری یک ساله	۱۵	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
سرمایه‌گذاری دوساله(۱)	-	-	-	-	-	-	-	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
سرمایه‌گذاری سه‌ساله	-	-	-	-	-	-	-	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
سرمایه‌گذاری چهارساله	-	-	-	-	-	-	-	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
سرمایه‌گذاری پنج ساله	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰
پیش‌پرداخت اعتباری اسنادی(۲)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
بانک‌های تخصصی																		
سپرده قرض‌الحسنه جاری	۳۰	۲۵	۲۵	۲۵	۱۵	۱۲	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز	۱۵	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
سرمایه‌گذاری کوتاه مدت	۱۵	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
سرمایه‌گذاری یک ساله	۱۵	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
پیش‌پرداخت اعتبارات اسنادی(۳)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰

۱- سپرده‌های دو ساله، سه ساله در سال ۱۳۶۹ و سپرده چهارساله از اواخر سال ۱۳۷۸ معرفی شده‌اند.

۲- بانک‌های تجاری از شهریور۱۳۷۴ علاوه بر ۳۰ درصد سپرده قانونی ملزم به تودیع ۶۰ درصد نیز نزد بانک مرکزی گردیدند.

۳- بانک‌های تخصصی از شهریور۱۳۷۴ علاوه بر ۱۰ درصد سپرده قانونی ملزم به تودیع ۸۰ درصد نیز نزد بانک مرکزی گردیدند.

ماخذ: اداره بررسی‌های اقتصادی، بانک مرکزی ج. ا. ا. ، واحد بررسی‌های اقتصادی.

درصد معینی از سپرده‌های پس‌انداز خود را به صورت اوراق قرضه دولتی نگهداری نمایند. برای اولین بار در سال ۱۳۴۹ توسط شورای پول و اعتبار به بانک‌ها الزام شد که ۱۶ درصد افزایش کل سپرده‌ها را در طول سال به شکل اوراق قرضه نگهداری نمایند، که این درصد در سال۱۳۵۴ به ۴۵ درصد رسید. بعد از انقلاب با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، به دلیل تعلق بهره به اوراق قرضه - که ماهیت ربوی داشت - و از طرف دیگر به دلیل آنکه نحوه مصرف سپرده‌های غیر دیداری بر اساس قانون جدید مشخص شده بود و دیگر جایی برای خرید اوراق قرضه از محل این سپرده‌ها در نظر گرفته نشده بود، خرید اوراق قرضه با مشکل مواجه گردید. سرانجام این چنین نتیجه‌گیری شد که خرید و فروش اوراق قرضه بین بانک‌ها و بانک مرکزی عاری از اشکال بوده و مقرر شد از ابتدای سال ۱۳۶۳ بانک‌ها در صورت موافقت بانک مرکزی فقط با استفاده از منابع خود به خرید اوراق قرضه مبادرت نمایند. بدین ترتیب در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۸ به ترتیب معادل ۲۶۰ میلیارد ریال و ۱۰۰ میلیارد ریال اوراق قرضه به بانک‌های تجاری فروخته شد.

در سال ۱۳۷۰، در غیاب سقف‌های اعتباری به منظور جذب مازاد منابع بانک‌های تجاری، این بانک‌ها ملزم گردیدند که معادل ۳۶ درصد از مانده سپرده‌های دیداری بخش غیر دولتی نزد خود را، به خرید اوراق قرضه اختصاص دهند. در سال ۱۳۷۱، نظر به اینکه در سال ۱۳۷۰ مازاد منابع بانک‌های مذکور در مقابل مانده سپرده‌های دیداری بخش غیر دولتی نزد آن جذب شده بود، الزام بانک‌ها به خرید اوراق قرضه جدید لغو و به جایگزینی اوراق قرضه سررسید شده محدود شد. در سال ۱۳۷۲ با توجه به نیازهای مالی که برای سرمایه‌گذاری‌های جاری و ثابت، از سوی مقامات پولی، حس می‌شد بانک مرکزی به تدریج اقدام به آزاد نمودن وجوه جذب شده از محل اوراق قرضه نمود. لیکن به دلیل رشد نقدینگی بیش از هدف تعیین شده در برنامه اول، این امر در مرداد ماه همان سال متوقف گردید. در سال ۱۳۷۳ موجودی اوراق قرضه در جریان نزد سیستم بانکی و بخش غیر بانکی با ۰/۳ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۷۲ به مبلغ ۲۷۰۱/۶ ریال رسید. طی سال‌های ۷۳-۱۳۷۰ حدود ۲۱۸۴ میلیارد ریال از اوراق قرضه دولتی سررسید شد که ۳۵۴/۶ میلیارد ریال از آن مربوط به سال ۱۳۷۳ می‌باشد. لیکن سری جدید اوراق قرضه جهت جایگزینی از سوی دولت انتشار نیافت. این مسئله در سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ علیرغم سررسید شدن بخش اعظمی از اوراق قرضهٔ در جریان، ادامه یافت. جدول(۶-۱) کل

موجودی اوراق قرضه دولتی و درصد نزد سیستم بانکی و مؤسسات دولتی را از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد. توضیح اینکه؛ درصد اوراق قرضه دولتی نزد افراد و مؤسسات حقوقی، از سال ۱۳۶۳ تا آخرین سال ۱۳۶۷، بسیار ناچیز بوده است.

جدول ۶-۱- موجودی کل اوراق قرضه دولتی در جریان (۷۴-۱۳۶۳)

سال	میلیارد ریال (شرکت‌های دولتی)	درصد	میلیارد ریال (سیستم بانکی)	درصد	جمع کل
۱۳۶۳	۲۱۴/۰	۱۲	۱۵۵۳/۰	۸۸	۱۷۶۸/۰
۱۳۶۴	۲۰۱/۰	۱۱	۱۶۹۴/۰	۸۹	۱۸۹۵/۰
۱۳۶۵	۱۹۳/۰	۹	۱۸۷۰/۰	۹۱	۲۰۶۳/۰
۱۳۶۶	۱۷۰/۰	۸	۲۰۳۱/۰	۹۲	۲۲۰۱/۰
۱۳۶۷	۱۳۶/۰	۶	۲۲۳۱/۰	۹۴	۲۳۶۷/۰
۱۳۶۸	۱۳۱/۰	۵	۲۳۸۱/۰	۹۵	۲۵۱۲/۰
۱۳۶۹	۱۲۶/۰	۵	۲۵۳۳/۰	۹۵	۲۶۵۹/۰
۱۳۷۰	۹۹/۱	۴	۲۷۱۴/۴	۹۶	۲۸۱۳/۵
۱۳۷۱	۹۴/۷	۳	۲۷۱۴/۴	۹۷	۲۸۰۹/۱
۱۳۷۲	۷۵/۸	۳	۲۶۳۳/۰	۹۷	۲۷۰۸/۸
۱۳۷۳	۶۳/۳	۲/۴	۲۶۳۳/۸	۹۷/۶	۲۷۰۱/۶
۱۳۷۴	۶۳/۳	۲/۴	۲۶۳۳/۸	۹۷/۶	۲۷۰۱/۶
۱۳۷۵	۶۳/۳	۲/۴	۲۶۳۳/۸	۹۷/۶	۲۷۰۱/۶
۱۳۷۶	۶۳/۳	۲/۴	۲۶۳۳/۸	۹۷/۶	۲۷۰۱/۶
۱۳۷۷	۶۳/۳	۲/۴	۲۶۳۳/۸	۹۷/۶	۲۷۰۱/۶

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

پ- سقف‌های اعتباری

اعمال سقف‌های اعتباری که با افزایش مازاد منابع بانک‌ها، موجبات کاهش ضریب تکاثری و در نتیجه کاهش سرعت نقدینگی را فراهم می‌آورد؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ازمهم‌ترین ابزارهای محدودیت اعتبارات بانکی و کنترل نقدینگی بوده است. در جدول (۷-۱)، حداکثر میزان کل افزایش مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و حد مجاز افزایش

تسهیلات مذکور برای بخش‌های اقتصادی آورده شده است.

همانطور که در جدول (۷-۱) مشخص است؛ سقف‌های اعتباری تا سال ۱۳۶۷ روند کاهش داشته‌اند. لیکن با بدتر شدن اوضاع اقتصادی کشور، به تدریج بر میزان محدویت اعتباری افزوده شد. به طوری که محدودترین میزان در دهه ۶۰، در سال ۱۳۶۷ اعمال گردید و حد افزایش مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیر دولتی برابر ۶/۵ درصد در نظر گرفته شد. در این سال، با برقراری آتش بس در جنگ تحمیلی جهت ایجاد زمینه مناسب برای گسترش فعالیت‌های بخش غیر دولتی و شروع دوران بازسازی اقتصاد کشور، سیاست‌های پولی و اعتباری مورد تجدید نظر قرار گرفت. به این ترتیب، حد مجاز اعتباری از ۶/۷ درصد به ۸/۸ درصد افزایش یافت و سقف اعتباری بخش‌ها نیز بیشتر شد. این روند در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ ادامه یافت و حد مجاز اعتباری به ترتیب به میزان ۱۸ درصد و ۲۱/۷ درصد رسید. به طور کلی، سیاست‌های اعمال شده تا پایان سال ۱۳۶۸ موجب گردید تا مازاد منابع بانک‌ها به شدت افزایش یابد، به نحوی که سپرده‌های دیداری بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی که شاخصی از مازاد منابع بانک‌ها به شمار می‌آید، از ۶۶/۰۴ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۶۰ به ۲۷۸۸ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۶۸ افزایش یافت.

در سال ۱۳۷۰، به دنبال اصلاحات درنظام بانکی و در راستای اهداف برنامه توسعه، سقف‌های اعتباری تعیین نگردید. بدین ترتیب، بانک‌ها مجاز شدند تا در حد جذب منابع - پس از ایفای تعهدات قانونی - به اعطای تسهیلات بپردازند. این سیاست تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت تا اینکه به علت افزایش تقاضا برای منابع مالی از سوی بخش دولتی و غیر دولتی که در پی اصلاح نرخ ارز و همچنین به واسطه پایین بودن نرخ سود مورد انتظار تسهیلات صورت گرفته بود، در جهت سد نمودن فشار تقاضا بر بانک‌ها - به ویژه از طرف بخش دولتی - مجدداً سقف‌های تسهیلاتی از این سال برقرار گردید. در سال ۱۳۷۳ سقف‌های تسهیلات اعطایی بانک‌ها و بانک مرکزی به بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی تا حدی مجاز شناخته شد که خالص بدهی آنها به سیستم بانکی نسبت به مانده پایان سال ۱۳۷۲ معادل ۷۰۰۰ میلیارد ریال افزایش یابد. همچنین مقرر شد که ۵۵ درصد از تسهیلات مذکور، منحصراً به بخش خصوصی اختصاص یابد. در سال ۱۳۷۴ نیز به منظور کنترل تورم، سیاست پولی محدودکننده‌تری اتخاذ شد و بدین ترتیب افزایش در خالص مانده تسهیلات سیستم بانکی به بخش‌های مذکور، به ۶۷۰۰ میلیارد ریال و با همان ترکیب ۵۵ درصد بخش

خصوصی و ۴۵ درصد بخش دولتی محدود گردید. در سال ۱۳۷۶ افزایش در خالص مانده تسهیلات سیستم بانکی به بخش‌های مذکور، به ۸۸۰۰ میلیارد رسید؛ که از این میزان ۴۰ درصد برای بخش دولتی و ۶۰ درصد برای بخش خصوصی در نظر گرفته شده بود. در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ سیاست محدودکننده‌تری اتخاذ شد؛ که به موجب آن افزایش در خالص مانده تسهیلات سیستم بانکی به بخش‌های چهارگانه مذکور به ۶۰۰۰ میلیارد ریال می‌رسید و از این میزان ۳۵ درصد برای بخش دولتی و ۶۵ درصد برای بخش خصوصی در نظر قرار داده شد.

جدول ۷-۱- حد مجاز افزایش تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی (مصوب) ۷۷-۱۳۶۰

(درصد)

سال / بخش	کشاورزی	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن	بازرگانی، صادرات، خدمات، متفرقه و سایر	کل
۱۳۶۰	۴۴/۰	۳۰/۰	۲۵/۰	۱۰/۰	۲۰
۱۳۶۳	۲۳/۰	۲۳/۰	۱۰/۰	۰	۱۰
۱۳۶۴	۲۰/۰	۲۰/۰	۱۰/۰	۰	۱۰
۱۳۶۵	۲۰/۰	۱۲/۴	۱۲/۴	۰	۱۰
۱۳۶۶	۲۰/۰	۸/۰	۸/۰	۰	۶/۷
۱۳۶۷	۲۳/۴	۸/۳	۱۵/۶	۰	۸/۸
۱۳۶۸	۲۶/۰	۲۸/۰	۱۸/۵	۱۵/۵	۱۸
۱۳۶۹	۲۰/۱	۳۷/۶	۳۲/۱	۱۰/۰	۲۱/۷
۱۳۷۰	۲۰/۰	۳۷/۰	۳۲/۰	۱۱/۰	–
۱۳۷۱	۲۰/۰	۲۷/۰	۳۲/۰	۱۱/۰	–
۱۳۷۲	۱۹/۰	۳۶/۰	۳۰/۰	۱۵/۰	–
۱۳۷۳	۱۹/۰	۳۶/۰	۳۰/۰	۱۵/۰	۷۰۰۰میلیارد
۱۳۷۴	۲۵/۰	۳۳/۵	۲۹/۰	۱۲/۵	۶۷۰۰میلیارد
۱۳۷۵	۲۵/۰	۳۳/۵	۲۹/۰	۱۲/۵	–
۱۳۷۶	۲۵/۰	۳۳/۵	۲۹/۰	۱۲/۵	۸۸۰۰میلیارد
۱۳۷۷	۲۵/۰	۳۳/۵	۲۹/۰	۱۲/۵	۶۰۰۰میلیارد

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مربوط به سال‌های مختلف.

جدول ۸ـ۱ـ الف- سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیر دولتی

بخش	۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵		۱۳۷۶		۱۳۷۷	
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد
کشاورزی	۲۰/۰	۱۸/۰	۲۰/۰	۱۷/۲	۱۹/۰	۱۶/۸	۱۹/۰	۱۷/۰	۲۵/۰	۲۱/۰	۲۵/۰	۱۹/۹	۲۵/۰	۲۷/۴	۲۵/۰	۲۶/۰
ساختمان و مسکن	۳۲/۰	۳۲/۸	۳۲/۰	۲۴/۰	۳۰/۰	۳۰/۶	۳۰/۰	۳۲/۴	۲۹/۰	۳۰/۵	۲۹/۰	۲۰/۵	۲۹/۰	۳۶/۱	۲۹/۰	۳۴/۰
صنعت ومعدن	۳۷/۰	۳۲/۰	۳۷/۰	۴۵/۰	۳۶/۰	۳۵/۲	۳۶/۰	۳۳/۴	۳۳/۵	۳۵/۳	۳۳/۵	۴۰/۵	۳۳/۵	۱۵/۵	۳۳/۵	۱۹/۴
بازرگانی،صادرات،خدمات‌متفرقه‌وسایر(۱)	۱۱/۰	۱۷/۲	۱۱/۰	۱۳/۸	۱۵/۰	۱۷/۴	۱۵/۰	۱۷/۲	۱۲/۵	۱۳/۲	۱۲/۵	۱۹/۱	۱۲/۵	۲۱/۰	۱۲/۵	۲۰/۶
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ت - نرخ سود مورد انتظار

در سال ۱۳۶۳ برای اولین بار حداقل نرخ سود مورد انتظار در عقود مشارکت مدنی، مضاربه، مشارکت حقوقی و سرمایه گذاری مستقیم و حداقل نرخ سود قطعی در معاملاتی، مانند: فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، تعیین گردید. نرخ‌های مذکور علاوه بر آنکه در بخش‌های مختلف متفاوت بود، از یک نوع تسهیلات به نوع دیگر تفاوت داشت. جدول (۸-۱)، حداقل نرخ سود مورد انتظار برای عقود مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم (در سال ۱۳۶۳) را نشان می‌دهد.

جدول ۸-۱-ب-حداقل نرخ سود مورد انتظار سال ۱۳۶۳

(درصد)

بخش / نوع عقد	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	واردات و بازرگانی داخلی	صادرات
مضاربه	-	-	-	۱۲	۸
مشارکت مدنی و حقوقی	۶	۸	۱۰	-	-
سرمایه‌گذاری مستقیم	۴	۶	۸	-	-

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،سال ۱۳۶۳.

جدول ۹-۱- نرخ‌های سود مورد انتظار تسهیلات بانکی(حداقل و حداکثر) (۱۳۶۳-۷۷)

(درصد)

بخش‌های اقتصادی	۱۳۶۳	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
صنعت و معدن	۶-۱۰	۱۱-۱۳	۱۱-۱۳	۱۳	۱۶-۱۸	۱۶-۱۸	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹
ساختمان و مسکن	۸-۱۲	۱۲-۱۴	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۵	۱۵-۱۶	۱۵-۱۶	۱۵-۱۶	۱۵-۱۶
کشاورزی	۴-۸	۶-۹	۶-۹	۹	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۳-۱۶	۱۳-۱۶	۱۳-۱۶	۱۳-۱۶
بازرگانی و خدمات	۸-۱۲	۱۷-۱۹	۱۸به‌بالا	۱۸به‌بالا	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.

در اوایل سال ۱۳۶۹ و همزمان با معرفی سپرده‌های جدید، طرح تجدید نظر در نرخ‌های سود مورد انتظار تسهیلات بانکی به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. این اقدام به منظور برقراری رابطه‌ای منطقی میان حداقل نرخ بازده تسهیلات اعطایی با شاخص‌های مهم اقتصادی، از جمله بازده سرمایه‌گذاری و نرخ تورم و امکان پرداخت سود بیشتر به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جدید، صورت گرفت. در سال ۱۳۷۰ حداکثر نرخ سود مورد انتظار در تسهیلات بخش خدمات و بازرگانی و صادرات تعیین نگردید و بانک‌ها مجاز شدند با توافق مشتری، نرخ سود این‌گونه تسهیلات را تعیین کنند. همچنین در نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی در بخش مسکن نیز تجدیدنظر به عمل آمد. به طوری که این نرخ‌ها با زیر بنای واحد مسکونی متناسب گردید. این اقدامات در سال ۱۳۷۱ نیز دنبال شد. تا اینکه در سال ۱۳۷۲ نرخ‌های مذکور به منظور فراهم نمودن امکان پرداخت سود بیشتر به سپرده‌گذاران و در راستای نزدیک نمودن نرخ سود تسهیلات در بخش‌های مختلف اقتصادی به یکدیگر مورد تجدید نظر قرار گرفت. در سال ۱۳۷۳ تصمیمات اتخاذی در سال قبل (۱۳۷۲) بدون تغییر باقی ماند. در سال ۱۳۷۴ به منظور حرکت درجهت تعدیل تقاضا برای تسهیلات بانکی، نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی در بخش‌های مختلف (به استثنای صادرات و مسکن) تا حدودی افزایش یافت. سیاست اتخاذ شده در سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۷ همچنان بدون تغییر باقی مانده است.(جدول ۹-۱)، روند تغییرات نرخ‌های سود مورد انتظار تسهیلات بانکی را در سال‌های ۷۷-۱۳۶۳ نشان می‌دهد.

ث-نرخ سود سپرده‌ها

بعد از پیروزی انقلاب در جهت حذف ربا، طرح کارمزد و نرخ سود تضمین شده وام‌ها و سپرده‌ها مطرح گردید و برای اولین بار در سال ۱۳۵۸ به سپرده‌های غیر دیداری (سپرده‌های ثابت و پس‌انداز) سودی به عنوان حداقل سود تضمین شده با نرخ ۸/۵ درصد در سال برای سپرده ثابت و سودی تضمین شده معادل ۷ درصد در سال برای سپرده‌های پس‌انداز در نظر گرفته شد. همچنین مقررگردید که از ابتدای سال ۱۳۵۸، در صورتی که بانک سود اضافی داشته باشد، به نسبت میزان سپرده‌های مذکور، علاوه بر حداقل سود مزبور، به صاحبان سپرده‌ها در پایان هر سال پرداخت نماید. لیکن مجموع اقدامات فوق نتوانست تغییرات اساسی در نظام مبنی بر بهره ایجاد نماید و فقط موجب کاهش نرخ بهره،

تحت عنوان سود تضمین شده، در برخی از بخش‌های اقتصادی گردید. از این رو، برای رفع این نقیصه در شهریور ماه ۱۳۶۲ لایحه قانونی عملیات بانکی بدون ربا به تصویب نهایی رسید و طی آن سپرده‌های قرض‌الحسنه به دو صورت جاری و پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به دو صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت معرفی گردید. همچنین بانک‌ها بر اساس این لایحه قانونی، برگشت اصل سپرده‌های مذکور را نیز تعهد کردند. نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت تا سال ۱۳۶۹، به ترتیب: معادل ۶ درصد و ۸/۵ درصد در سال تعیین و پرداخت گردید. در سال ۱۳۶۹ در راستای کنترل مؤثر بر نقدینگی و در جهت تقویت انگیزه‌های مردم به سپرده‌گذاری بلندمدت، سپرده‌های سرمایه‌گذاری: دو ساله، سه ساله و پنج ساله معرفی گردیدند و بانک‌ها مجاز شدند که سود سپرده‌ها را به طور علی‌الحساب در مقاطع ۲ ماهه پرداخت نمایند. بر اساس این سیاست، حجم سپرده‌های کوتاه‌مدت افت نمود و سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت حدود۳۶ درصد رشد نمود. روند تغییرات نرخ‌های سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، طی سال‌های ۷۷-۱۳۶۸، در جدول (۱۰-۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱۰-۱-نرخ‌های سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (۷۷-۱۳۶۸)

نوع / سال	کوتاه مدت	یک ساله	دو ساله	سه ساله	پنج ساله
۱۳۶۸	۶/۰	۸/۵	-	-	-
۱۳۶۹	۶/۵	۹/۰	۱۰/۰	۱۱/۰	۱۲/۰
۱۳۷۰	۶/۵	۹/۰	۱۰/۵	۱۱/۵	۱۴/۰
۱۳۷۱	۷/۵	۱۰/۰	۱۱/۵	۱۳/۰	۱۵/۰
۱۳۷۲	۸/۰	۱۱/۵	۱۳/۵	۱۴/۵	۱۶/۰
۱۳۷۳	۸/۰	۱۱/۵	۱۳/۵	۱۴/۵	۱۶/۰
۱۳۷۴	۸/۰	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵
۱۳۷۵	۸/۰	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵
۱۳۷۶	۸/۰	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵
۱۳۷۷	۸/۰	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ج-نرخ سود (بهره) واقعی سپرده‌ها در دوره بعد از انقلاب

درجه منفی بودن نرخ بهره واقعی، شاخصی است که اغلب برای اندازه‌گیری درجه سرکوبی نرخ بهره (که خود نشان دهنده درجه کنترل و تحدید بخش مالی است) بکار می‌رود. اگر نرخ بهره واقعی را برابر با (r-i) - که در آن r نرخ بهره اسمی و i نرخ تورم می‌باشد - تعریف کنیم، می‌توان درجه منفی بودن نرخ‌های بهره را طی سال‌های مختلف بدست آورد. از آنجائی که سپرده‌های بلندمدت از سال ۱۳۶۹ در قالب چهار نوع: یک ساله، سه ساله و پنج ساله مطرح شدند؛ برای محاسبه نرخ سود متوسط این سپرده‌ها از میانگین وزنی که وزن‌ها عبارت از ترکیب این سپرده‌ها از سال ۱۳۶۹ به بعد می‌باشند، استفاده شده است. جدول(۱۱-۱) نرخ‌های بهره اسمی و واقعی و نرخ تورم و اطلاعات لازم جهت محاسبه نرخ متوسط بهره سپرده‌های بلندمدت از سال ۱۳۶۹ به بعد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود؛ از سال ۱۳۵۸ به بعد نرخ بهرهٔ واقعی کوتاه‌مدت همواره منفی بوده است. نرخ بهره واقعی بلندمدت نیز از سال ۱۳۵۸ به بعد همواره (به استثنای سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۹) منفی بوده است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که بخش مالی اقتصاد ایران، بعد از انقلاب، شدیداً تحت کنترل دولت قرار داشته است.

چ-روند تغییرات سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز

با توجه به جدول (۱۲-۱) که رشد سپرده‌های مدت دار و پس‌انداز را نمایش می‌دهد، حساسیت سپرده‌گذاران به نرخ سود سپرده‌های مدت دار کاملاً محسوس است. به طوری که، برای مثال در سال ۱۳۷۳ که نرخ سود این سپرده‌ها تغییری نسبت به سال قبل از آن نداشت، نرخ رشد سپرده‌های مذکور کاهش یافته و مجدداً با افزایش نرخ‌های سود در سال ۱۳۷۴ ، افزایش یافته است.

جدول ۱۱-۱ - نرخ‌های سود اسمی و واقعی سپرده‌ها (۷۷-۱۳۵۸)

(درصد)

سال	نرخ سوداسمی کوتاه‌مدت	نرخ سود اسمی بلندمدت	نرخ تورم	نرخ سود واقعی کوتاه‌مدت	نرخ سود واقعی بلندمدت
۱۳۵۸	۷/۰	۸/۵	۱۱/۳	-¾	-۲/۸
۱۳۵۹	۷/۰	۸/۵	۲۲/۶	-۱۶/۶	-۱۵/۱
۱۳۶۰	۷/۰	۸/۵	۲۳/۰	-۱۶/۰	-۱۴/۵
۱۳۶۱	۷/۰	۸/۵	۱۲/۱	-۵/۲	-۳/۷
۱۳۶۲	۷/۰	۸/۵	۱۴/۸	-۷/۸	-۶/۳
۱۳۶۳	۶/۰	۸/۵	۱۰/۴	-۴/۴	-۱/۹
۱۳۶۴	۶/۰	۸/۵	۶/۹	-۰/۹	۱/۶
۱۳۶۵	۶/۰	۸/۵	۲۳/۷	-۱۷/۷	-۱۵/۲
۱۳۶۶	۶/۰	۸/۵	۲۷/۷	-۲۱/۷	-۱۹/۲
۱۳۶۷	۶/۰	۸/۵	۲۸/۹	-۲۲/۹	-۲۰/۴
۱۳۶۸	۶/۰	۸/۵	۱۷/۴	-۱۱/۴	-۸/۹
۱۳۶۹	۶/۵	۱۰/۴	۹/۰	-۲/۵	۱/۴
۱۳۷۰	۶/۵	۱۲/۰	۲۰/۷	-۱۴/۲	-۸/۷
۱۳۷۱	۷/۵	۱۳/۵	۲۴/۴	-۱۶/۹	-۱۰/۹
۱۳۷۲	۸/۰	۱۵/۰	۲۲/۹	-۱۴/۹	-۷/۹
۱۳۷۳	۸/۰	۱۵/۱	۳۵/۱	-۲۷/۲	-۲۰/۱
۱۳۷۴	/۸۰	۱۷/۵	۴۹/۴	-۴۱/۴	-۳۱/۹
۱۳۷۵	۸/۰	۱۷/۵	۲۳/۲	-۱۵/۲	-۵/۷
۱۳۷۶	۸/۰	۱۷/۵	۱۷/۳	-۹/۳	۰/۲
۱۳۷۷	۸/۰	۱۷/۵	۲۰/۰	-۱۲	-۲/۵

نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار ترکیب‌سپرده‌های‌سرمایه‌گذاری‌مدت‌دار (درصد)

سال	یکساله	دو ساله	سه‌ساله	پنج‌ساله		یکساله	دوساله	سه‌ساله	پنج‌ساله
۱۳۶۹	۹/۰	۱۰/۰	۱۱/۰	۱۳/۰		۵۹/۸	۵/۲	۳/۰	۳۲/۱
۱۳۷۰	۹/۰	۱۰/۵	۱۱/۵	۱۴/۰		۳۲/۱	۸/۹	۴/۴	۵۴/۶
۱۳۷۱	۱۰/۰	۱۱/۵	۱۳/۰	۱۵/۰		۲۱/۲	۸/۰	۵/۶	۵۶/۲
۱۳۷۲	۱۱/۵	۱۳/۵	۱۴/۵	۱۶/۰		۱۷/۴	۷/۱	۵/۴	۷۰/۱
۱۳۷۳	۱۱/۵	۱۳/۵	۱۴/۵	۱۶/۰		۱۴/۱	۶/۰	۵/۰	۷۴/۳
۱۳۷۴	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵		۱۵/۰	۷/۰	۴/۶	۷۳/۴
۱۳۷۵	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵		۱۷/۱	۶/۰	۴/۰	۷۲/۹
۱۳۷۶	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵		۱۵/۵	۵/۱	۳/۸	۷۵/۶
۱۳۷۷	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۵		۱۵/۱	۴/۵	۳/۴	۷۷/۰

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

جدول ۱۲-۱- سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار و میزان رشد آنها ۷۸-۱۳۳۹

سال	سپرده‌های پس‌انداز (میلیارد ریال)	سپرده‌های مدت‌دار (میلیارد ریال)	رشد سپرده‌های پس‌انداز (درصد)	رشد سپرده‌های مدت‌دار (درصد)
۱۳۳۹	۷/۳	۵/۰	–	–
۱۳۴۰	۹/۳	۶/۹	۳۷/۰	۳۸/۰
۱۳۴۱	۱۳/۵	۱۱/۳	۴۵/۰	۶۴/۰
۱۳۴۲	۱۷/۵	۱۵/۰	۳۰/۰	۳۳/۰
۱۳۴۳	۲۲/۹	۱۵/۵	۳۱/۰	۳/۰
۱۳۴۴	۲۶/۹	۱۸/۳	۱۷/۰	۱۸/۰
۱۳۴۵	۳۱/۸	۲۲/۱	۱۸/۰	۲۱/۰
۱۳۴۶	۳۹/۸	۲۷/۴	۲۵/۰	۲۴/۰
۱۳۴۷	۵۰/۹	۳۶/۵	۲۸/۰	۳۳/۰
۱۳۴۸	۶۲/۲	۵۳/۱	۲۲/۰	۴۵/۰
۱۳۴۹	۷۱/۶	۶۶/۷	۱۵/۰	۲۶/۰
۱۳۵۰	۹۰/۵	۸۸/۸	۲۶/۰	۳۳/۰
۱۳۵۱	۱۲۲/۳	۱۱۹/۰	۵/۳۰	۳۴/۰
۱۳۵۲	۱۵۶/۳	۱۵۹/۰	۲۸/۰	۳۴/۰
۱۳۵۳	۲۳۴/۹	۲۵۳/۶	۵۰/۰	۵۹/۰
۱۳۵۴	۳۵۰/۳	۳۵۲/۷	۴۹/۰	۳۹/۰
۱۳۵۵	۴۸۲/۷	۵۳۲/۴	۳۸/۰	۵۱/۰
۱۳۵۶	۶۴۵/۶	۷۰۳/۴	۳۴/۰	۳۲/۰
۱۳۵۷	۶۷۹/۶	۶۶۲/۵	۵/۰	۵/۰
۱۳۵۸	۱۲۹۳/۳	۵۹۰/۹	۹۰/۰	۱۱/۰
۱۳۵۹	۱۵۱۳/۶	۶۲۰/۹	۱۷/۰	۵/۰
۱۳۶۰	۱۸۷۵/۸	۵۲۸/۴	۲۴/۰	۱۵/۰
۱۳۶۱	۱۲۸۵/۸	۶۸۱	۱۶/۰	۲۹/۰
۱۳۶۲	۲۷۳۷/۳	۹۰۷/۵	۲۵/۰	۳۳/۰
۱۳۶۳	۱۶۳/۹	۹۹۸/۴	-۴/۰	۱۰/۰
۱۳۶۴	۱۸۶۳/۴	۱۳۱۱/۶	۱۴/۰	۳۱/۰
۱۳۶۵	۲۴۷۷/۰	۱۴۹۴/۰	۳۳/۰	۱۴/۰
۱۳۶۶	۳۰۸۸/۸	۱۷۵۷/۱	۲۵/۰	۱۸/۰
۱۳۶۷	۴۲۶۰/۷	۲۱۳۲/۷	۳۸/۰	۲۱/۰
۱۳۶۸	۵۲۴۵/۲	۲۷۶۱/۶	۲۳/۰	۲۹/۰
۱۳۶۹	۵۹۴۵/۱	۳۷۴۹/۶	۱۳/۰	۳۶/۰
۱۳۷۰	۶۸۰۹/۸	۴۹۲۹/۷	۱۴/۰	۳۱/۰
۱۳۷۱	۸۱۱۵/۸	۶۵۳۰/۹	۱۹/۰	۳۲/۰
۱۳۷۲	۱۰۳۰۴/۰	۸۷۴۸/۸	۲۷/۰	۳۴/۰
۱۳۷۳	۱۲۰۸۴/۳	۱۰۴۳۳/۰	۱۷/۰	۱۹/۰
۱۳۷۴	۱۵۰۳۳/۳	۱۳۳۸۴/۰	۲۴/۰	۲۸/۰
۱۳۷۵	۱۹۰۵۱/۱	۱۶۷۹۴/۰	۲۷/۰	۲۵/۰
۱۳۷۶	۲۴۲۸۹/۷	۲۲۸۱۴/۰	۲۷/۰	۳۶/۰
۱۳۷۷	۳۲۰۴۵/۷	۳۰۳۸۳/۰	۳۲/۰	۳۳/۰
۱۳۷۸	۳۹۵۶۴/۱	۳۹۹۶۸/۰	۲۳/۰	۳۱/۰

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.

۱-۴- مؤسسات مالی غیر بانکی

الف- مؤسسات بیمه و صندوق‌های بازنشستگی

صنعت بیمه در ایران، همانند اکثر کشورهای در حال توسعه، یک صنعت وارداتی محسوب می‌شود که هنوز جایگاه اصلی خود را پیدا نکرده است. اولین امتیاز نامه حمل و نقل و تأسیس اداره بیمه در ایران در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار در تاریخ ۱۲۶۷ش. به یکی از اتباع روسیه به نام پلیاکف[1] واگذار گردید، ولی از سرانجام این امتیاز نامه اطلاع دقیقی در دسترس نیست.

عملیات بیمه در ایران، همانطور که عنوان شد، توسط شرکت‌های خارجی آغاز گردید.در سال ۱۲۹۰ش. ابتدا دو شرکت بیمه روس و سپس شرکت‌های خارجی دیگر، اقدام به تأسیس نمایندگی نمودند. بدین ترتیب، تا سال ۱۳۰۴ چهار شرکت بیمه خارجی در ایران توسط نمایندگی‌هایشان فعالیت می‌کردند. وجود نمایندگی‌های شرکت بیمه خارجی از دو جهت زیانبار بود. اولاً: مقداری ارز بابت حق بیمه و سود این شرکت‌ها از کشور خارج می‌شد، ثانیاً: این شرکت‌ها به دلیل نوع عملیاتی که انجام می‌دادند، از کیفیت قراردادهای تجاری کشور مطلع می‌شدند و این هر دو با مصالح کشور منافات داشت. بدین جهت دولت وقت، تصمیم گرفت تا یک مؤسسه بیمه در کشور به وجود آورد و بدین جهت در سال ۱۳۴۱ش. اولین شرکت بیمه در ایران، تحت عنوان شرکت سهامی بیمه ایران تأسیس گردید و در کلیه رشته‌های مهم بیمه به فعالیت پرداخت. در سال‌های بعد، شرکت‌های بیمه متعددی در کشور آغاز به کار کردند و با گسترش دامنه فعالیت شرکت‌های داخلی در سال ۱۳۳۱ و به موجب تصویب‌نامه‌ای، فعالیت بیمه‌های خارجی در کشور محدود گردید. پس از انقلاب نمایندگی‌های شرکت‌های بیمه خارجی کلاً برچیده شده و شرکت‌های بیمه داخل نیز ملی گردیدند. آنچه که از فعالیت شرکت‌های بیمه برای ما مهم است؛ این است که شرکت‌های بیمه از طریق جمع‌آوری منابع مالی جامعه که تحت عنوان حق بیمه صورت می‌گیرد، منابع قابل توجهی را جهت تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری فراهم آورده و مشابه

[1]- Poliakof

نظام بانکی، می‌توانند به پویایی بازار سرمایه و بکارگیری توان‌های مالی جامعه – در راه بهبود تولید و اقتصاد جامعه-کمک نمایند.

لازم به ذکر است؛ فعالیت شرکت‌های بیمه در ایران بسیار محدود است و عمده فعالیت آنها متمرکز در بیمه‌های باربری، آتش سوزی و شخص ثالث می‌باشد. بیمه عمر یا زندگی که در واقع یکی از منابع مهم جمع‌آوری پس‌اندازهای کوچک است، در ایران هنوز پیشرفت نداشته است. در حقیقت در جوامع پیشرفته، شرکت‌های بیمه عمر هستند که به عنوان واسطه‌های مالی شناخته شده‌اند. جدول (۱۳-۱) حق بیمه مستقیم دریافتی بازار بیمه بر حسب نوع بیمه و درصد هر یک از انواع بیمه را نسبت به کل، در سال‌های مختلف، نشان می‌دهد. همانطور که از آمار و ارقام مندرج در جدول (۱۳-۱) آشکار است؛ به علت سهم اندک بیمه‌نامه عمر در پرتفوی صنعت بیمه، امکان بکارگیری ذخایر فنی آنها در سرمایه‌گذاری بلندمدت مقدور نمی‌باشد.

ب- شرکت‌های سرمایه‌گذاری

شرکت‌های سرمایه‌گذاری، یکی از انواع واسطه‌های مالی می‌باشند که وجوه بدست آمده از فروش سهام خویش به عموم را، در مجموعه‌ای از فرصت‌ها، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در یک دسته‌بندی کلی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

الف- شرکت‌های سرمایه‌گذاری با سرمایه نامحدود (باز)[۱]

ب- شرکت‌های سرمایه‌گذاری با سرمایه نامحدود(ثابت)

الف-شرکت‌های سرمایه‌گذاری با سرمایه نامحدود(باز)[۲]

مقدار سهامی که این قبیل شرکت‌ها منتشر می‌کنند، ثابت نبوده؛ این شرکت‌ها سهام تحت تملک خود را به سرمایه‌گذاران در هر مقداری و هر زمانی که بخواهند، می‌فروشند. اگر سهامداران بخواهند سهام خود را بفروشند، شرکت به قیمتی متناسب با ارزش مجموعه دارایی خود که روزانه در پایان وقت بازار محاسبه می‌شود، خریداری می‌کند.

---

[۱] - قنبری.حسنعلی.جایگاه شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و نقش... مؤسسه کار و تأمین اجتماعی۱۳۷۹.

[2]- Open End Investment Companies.

جدول ۱۳-۱-حق بیمه مستقیم دریافتی بازار بیمه بر حسب نوع بیمه و نسبت به کل

نوع بیمه	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
آتش سوزی	۲۷۷۱/۰	۴۶۰۲/۰	۷۸۱۴/۰	۱۹۰۶۶/۰	۲۶۴۲۳/۰	۴۲۶۰۹/۰	۶۲۱۹۱/۰	۸۴۲۶۳/۰	۱۲۲۲۰۷/۰	۱۷۴۶۶۴/۰	۲۲۸۱۰۹/۰	۲۹۶۲۱۶/۰
باربری	۷۵۱۵/۰	۱۰۶۶۴/۰	۷۹۱۹/۰	۴۱۹۹۱/۰	۵۸۴۲۲/۰	۶۸۲۴۴/۰	۹۸۹۷۵/۰	۱۲۱۳۶۵/۰	۱۶۱۵۹۷/۰	۱۹۷۲۸۴/۰	۳۰۱۱۰۹/۰	۱۷۵۸۵۲/۰
حوادث	۵۵۴۱/۰	۱۳۸۷/۰	۵۲۳۰/۰	۱۰۲۱۴/۰	۱۲۳۹۵/۰	۲۰۳۷۱/۰	۳۴۴۹۸/۰	۴۲۳۸۳/۰	۸۳۴۷۸/۰	۱۳۳۶۲/۰	۱۲۹۲۸۵۱/۰	۱۷۲۹۸۴/۰
اتومبیل...بدنه	۳۵۸۶/۰	۲۳۶۱/۰	۳۶۱۲/۰	۵۹۲۵/۰	۱۲۲۶۷/۰	۲۵۲۹۳/۰	۳۸۲۶۸/۰	۵۰۹۰۵۱/۰	۸۳۴۷۸/۰	۱۳۳۱۶۲/۰	۱۷۹۱۷۱/۰	۲۱۳۲۲۳/۰
شخص ثالث	۲۸۴۳/۰	۳۱۲۰/۰	۵۶۰۲/۰	۱۳۶۱۷/۰	۲۵۵۱۵/۰	۳۹۲۹۸/۰	۵۱۱۲۶/۰	۶۱۰۲۵/۰	۱۲۵۴۰۴/۰	۲۵۱۲۴۸/۰	۳۴۵۶۶۵/۰	۵۰۰۱۲۴/۰
کشتی...بدنه	۵۳۴/۰	۳۱۲/۰	۳۸۰/۰	۲۲۴/۰	۴۳۲/۰	۶۰۱/۰	۲۳۴۵/۰	۳۲۰۹/۰	۵۴۶۷/۰	۸۸۴۰/۰	۹۵۹۷/۰	۱۰۴۱۴/۰
هواپیمایی	۳۴۴/۰	۸۷۵/۰	۱۵۲۳/۰	۹۴۴/۰	۶۵۸/۰	۱۳۲۲/۰	۲۳۱۲۵/۰	۲۵۷۱۹/۰	۲۸۷۲۳/۰	۲۸۹۱-/۰	۲۷۲۶۲/۰	۳۴۵۸۴/۰
مهندسی	۵۱۴۲/۰	۶۲۶/۰	۷۲۹/۰	۲۵۹۳/۰	۳۹۲۵/۰	۴۲۹۳/۰	۳۴۶۵۱/۰	۹۲۰۵/۰	۱۶۱۹۶/۰	۲۷۵۱۵/۰	۲۹۱۳۹/۰	۲۵۳۹۴/۰
پول	۱۵۶/۰	۷۹۰/۰	۳۳۱/۰	۴۹۸/۰	۶۰۰/۰	۱۴۸۱/۰	۱۴۰۹/۰	۱۱۱۹/۰	۱۲۹۸/۰	۱۶۵۲/۰	۵۶۸۶/۰	۱۹۵۱/۰
زندگی	۷۷۵/۰	۲۱۷۲/۰	۳۱۳۶/۰	۱۱۳۶۷/۰	۱۵۲۳۴/۰	۲۰۲۱۸/۰	۲۴۹۸۳/۰	۳۶۹۹۲/۰	۵۵۴۰۷/۰	۶۶۷۰۶/۰	۲۳۱۸۴۵/۰	۱۸۰۲۳۴/۰
سایر	۹۲۵/۰	۱۶۸/۰	۷۹۳/۰	۶۴۷/۰	۱۵۲۶/۰	۲۳۸۸/۰	۷۱۹۴/۰	۱۷۱۶۶/۰	۶۴۸۹۲/۰	۱۲۵۲۹۵/۰	۲۵۲۹۱۹/۰	۴۶۵۸۷/۰
جمع	۲۴۹۳۳/۰	۲۷۲۹۹/۰	۳۶۹۶۹/۰	۱۰۷۰۸۶/۰	۱۵۷۴۸۷/۰	۲۲۶۲۱۹/۰	۳۷۹۸۶۵/۰	۴۵۲۳۵۱/۰	۷۲۳۴۴۵/۰	۱۱۰۳۸۲۱/۰	۱۶۳۹۷۸۷/۰	۱۶۴۷۶۷۳/۰
نسبت آتش سوزی به کل	۰/۱۱	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۹	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۱۷
نسبت باربری به کل	۰/۳	۰/۳۹	۰/۲۱	۰/۳۷	۰/۴	۰/۳۶	۰/۳۷	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۱۵
نسبت حوادث به کل	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۴۵	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۰
نسبت اتومبیل...بدنه به کل	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۱	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱	۰/۱۱	۰/۴۶	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۱۲
نسبت شخص ثالث به کل	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۷۲	۰/۲۱	۰/۳۰	
نسبت کشتی...بدنه به کل	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	-	-	۰/۰۱	-	۰/۰۱	۰/۰۱	-	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶
نسبت هواپیمایی به کل	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۱	-	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۱۴	۰/۰۳	۰/۰۱۴	
نسبت مهندسی به کل	۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱۵
نسبت پول به کل	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱	-	-	۰/۰۱	-	-	۰/۰۱	-	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱
نسبت زندگی به کل	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۴۵	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۱۰
نسبت سایر به کل	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۰۲
جمع نسبت‌ها	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

ماخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۴، مرکز آمار ایران ، تاریخ انتشار۱۳۷۵.

ب-شرکت‌های سرمایه‌گذاری با سرمایه محدود (ثابت)[1]

این شرکت‌ها بر خلاف مورد قبلی،دارای سرمایه ثابت بوده و مقدار سهام ثابتی را منتشر می‌کنند.خرید و فروش داخلی سهام در این شرکت‌ها، به ندرت صورت می‌گیرد. سهام منتشره توسط این شرکت‌ها در بازار، مورد معامله قرار می‌گیرند و قیمت آنها به وسیله عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری معمولاً دو وظیفه اصلی بر عهده دارند:

الف- تجهیز منابع مالی و سرمایه‌ای.

ب- متنوع سازی و مدیریت تخصصی پرتفوی.

در ایران تأسیس اولین شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مصادف با اولین سال‌های تأسیس بورس اوراق بهادار تهران بوده است. هم اکنون بیش از ۱۰۰ شرکت سرمایه‌گذاری در ایران وجود دارد که از این تعداد تنها ۱۴ شرکت عضو بورس تهران هستند.

در بررسی ماهیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری در ایران، به روشنی دیده می‌شود که این شرکت‌ها، به هیچ عنوان شرکت سرمایه‌گذاری با مفهوم رایج در دنیا نیستند. این امر شاید ناشی از برگردان نامشخص از سرمایه‌گذاری برای این شرکت‌ها باشد، که باعث شد مجموعه‌ای از شرکت‌ها با هویت و زمینه‌های فعالیت متفاوت به نام شرکت‌های سرمایه‌گذاری، به بازار تأمین منابع سرمایه‌ای وارد شوند.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر خلاف روال رایج در دنیا، تقریباً همه نوع فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند. دلیل چنین انحرافی را شاید بتوان در شرایط و امکانات اقتصادی جامعه جستجو کرد. از جمله شرایط و عواملی که منجر به چنین رفتاری است؛ موارد زیر قابل اشاره می‌باشد.

سودآوری بیشتر در بخش‌های خدماتی و تجاری، تضمین سود مناسب سالانه برای سهامداران و به تبع آن از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، فقدان قوانین و مقررات منسجم برای این شرکت‌ها، نبود نقش هدایتی و حمایتی دولت و... .

همچنین لازم به ذکر است که تمامی شرکت‌های سرمایه‌گذاری بوجود آمده در ایران، از

---

[1]- Close End Investment Companies.

نوع سرمایه‌ای ثابت هستند و در هر دو بازار سرمایه و پول فعالیت می‌کنند.

پ-مؤسسات اعتباری غیر بانکی

در سال ۱۳۷۱ مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی در ۴۰ ماده و ۵ تبصره، به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. به موجب قانون پولی و بانکی کشور، مؤسسات اعتباری غیر بانکی مؤسساتی هستند که از طریق جذب سپرده‌های غیر دیداری، اخذ تسهیلات و استفاده از سایر ابزارهای مالی، به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع به انحاء مختلف و به تشخیص بانک مرکزی واسط بین عرضه‌کنندگان و تقاضا کنندگان مالی قرار می‌دهند.

مؤسسات اعتباری که صرفاً در یک قالب از فعالیت‌های اقتصادی فعال می‌باشند، مؤسسه اعتباری تخصصی و مؤسسات اعتباری که در چند رشته از فعالیت‌های اقتصادی فعالیت دارند، مؤسسات اعتباری عمومی می‌نامند.

سرمایه اولیه مؤسسه اعتباری، حداقل۵ میلیارد ریال تعیین گردیده است که هنگام تأسیس باید حداقل۳۵ درصد از کل سرمایه پرداخت شده باشد. شایان ذکر است که هیچ یک از بانک‌ها مجاز به مشارکت در سرمایه مؤسسات مذکور نیستند.

از جمله این مؤسسات که هم اکنون فعالیت دارند، می‌توان به مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد، مؤسسه توسعه صنعت ساختمان، مؤسسه اعتباری کارآفرینان، و مؤسسه اعتباری سامان اقتصاد، اشاره کرد.

مؤسسات اعتباری می‌توانند منابع مالی مورد نیاز خود را به طرق زیر تأمین نمایند:

۱- قبول سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده‌های مشابه غیر دیداری.

۲- قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

۳- انتشار اوراق مشارکت و اوراق مشابه.

۴- انتشار اوراق قرض‌الحسنه.

۵- دریافت تسهیلات از اشخاص حقیقی و حقوقی.

افتتاح حساب جاری و یا حساب‌های دیگر توسط مؤسسات اعتباری غیر بانکی، که وجوه آن با چک و یا وسایل مشابه قابل نقل و انتقال باشد، ممنوع است و مؤسسات اعتباری غیر

بانکی، تنها در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توانند به اعطای تسهیلات مبادرت نمایند. این مؤسسات می‌توانند با مجوز بانک مرکزی به انجام عملیات ارزی نیز بپردازند.

در ادامه، به عنوان زیر مجموعه‌ای از این بخش توضیحاتی در مورد مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد به عنوان اولین مؤسسه اعتباری غیر بانکی داده می‌شود. مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی در تاریخ هشتم خرداد ۱۳۶۴ به ثبت رسید و با توجه به تجدیدنظر در اساسنامه به عنوان مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد نامگذاری شده است. اهم اهداف این مؤسسه عبارت است از انجام عملیات پولی، مالی و اعتباری، کارگزاری، مشاوره، نمایندگی، وکالت و عاملیت مالی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و واحدها و شرکت‌های تابعه و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی.

این مؤسسه در قالب سپرده‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه و سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، به جمع‌آوری وجوه اشتغال داشته و در قالب عقود اسلامی به اعطای تسهیلات می‌پردازد. جدول (۱۴-۱)، وضعیت حجم عملیات استانی شعب مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱۴-۱- وضعیت مانده منابع و تسهیلات تا پایان سال ۱۳۷۹

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	نام استان	تعداد شعب	مانده سپرده‌های مشتریان(منابع)	مانده تسهیلات و وام‌های پرداختی (مصارف)
۱	تهران بزرگ	۲۴	۳۷۰	۶۲۰
۲	مازندران	۳۱	۱۰۲	۸۹
۳	اصفهان	۲۳	۱۷۷	۷۷
۴	آذربایجان شرقی	۱۴	۶۳	۶۳
۵	خراسان	۲۳	۱۰۷	۹۵
۶	گلستان	۱۰	۳۴	۳۰
۷	آذربایجان غربی	۱۱	۴۰	۳۵
۸	لرستان	۷	۲۶	۱۰
۹	فارس	۷	۸۸	۱۹
۱۰	کرمانشاه	۱۰	۴۷	۱۹
۱۱	همدان	۴	۱۹	۹
۱۲	مرکزی	۷	۲۵	۱۰
۱۳	یزد	۴	۲۱	۹
۱۴	قم	۳	۱۴	۲۶
۱۵	کردستان	۸	۲۱	۱۲
۱۶	قزوین	۴	۲۳	۱۶
۱۷	خوزستان	۱۱	۵۴	۱۹
۱۸	اردبیل	۴	۱۳	۸
۱۹	سیستان و بلوچستان	۲	۱۰	۳
۲۰	سمنان	۵	۱۹	۱۳
۲۱	ایلام	۲	۶	۲
۲۲	هرمزگان	۶	۱۴	۱۴
۲۳	کرمان	۳	۵	۷
۲۴	زنجان	۱	۳	۲
۲۵	چهارمحال و بختیاری	۱	۸	۴
۲۶	بوشهر	۲	۹	۳
۲۷	کهکیلویه و بویر احمد	۱	۶	۲
۲۸	گیلان	۱۶	۵۱	۶۱
	جمع کل	۲۴۴	۱،۳۷۵	۱،۲۷۷

فصل دوم:

بررسی بخش واقعی و ارتباط آن با بخش مالی

در فصل قبلی بخش مالی، معرفی و تحولات این بخش در اقتصاد ایران تا حد ممکن تبیین شد. در این قسمت سعی بر آن خواهد بود که بخش حقیقی و ارتباط آن با بخش مالی توضیح داده شود.

۲-۱- بحث نظری

بخش حقیقی را می‌توان مجموع بازارهای کالا و کار دانست که به صورت تولید ناخالص ملی در حساب‌های ملی عنوان می‌شوند. تولید ناخالص ملی، خود حاصل جمع ارزش افزوده بخش‌های چهارگانه صنعت، خدمات،کشاورزی و نفت است. بنابراین، اگر ثابت شود که فعالیت بازارهای مالی و پولی(بخش مالی) بر عملکرد صنعت، خدمات، کشاورزی تأثیر دارند، ارتباط بخش مالی و بخش حقیقی آشکار خواهد شد. برای این منظور و در ادامه مروری بر مطالعات انجام شده، در این زمینه خواهیم داشت.

از دیدگاه نظری، مقالات بسیاری نقش سیستم و بازارهای مالی در توسعه اقتصادی را مورد بحث قرار داده‌اند[۱]، که از جمله آنها می‌توان به کاری از گلد اسمیت در سال ۱۰۶۹ و کاری از رومر در سال ۱۹۸۶[۲] اشاره کرد.

گلد اسمیت در یک مطالعه جامع از ۳۶ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در خلال دوره ۱۹۶۳-۱۸۶۰، شواهدی را فراهم آورد که نشان می‌داد: رابطه مثبتی بین نسبت

---

[۱] -برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به:

Gold Smith, R.W(1969), "Financial Structure and Development". New Haven, Corn: Yale University Press.

Camcron , Rondo , et al, (1967), "Banking in the Early Stages of Industrialization" New York, Oxford University Press.

[2]-Romer, P.M.(1986), "Increasing Returns and long Run Growth", *Journal of Political Economy*,94 (5),1002, 1037.

دارایی‌های مؤسسات مالی به تولید ناخالص ملی و ستانده سرانه وجود دارد. وی همچنین نشان داد که دوره‌های رشد سریع‌تر اقتصادی، به وسیله نرخ بالاتر از متوسط توسعه مالی همراهی شده است.[۱]

رومر نیز در کار مطالعاتی خود در سال ۱۹۹۸، با استفاده از داده‌هایی - که دامنه آنها بیست تا بیش از صد سال بود - نتایج بدست آمده توسط گلد اسمیت را تأیید کرد. ارتباط بین بخش واقعی و مالی چنان است که برخی از محققان (چون گلد اسمیت، مک کینون و کامرون) نقش محوری برای بخش مالی در توسعه بخش واقعی اقتصاد قایل شده‌اند. لوکاس با درون‌زا کردن تغییرات تکنولوژی و تأکید بر سرمایه انسانی، الگوهای سنتی رشد را متحول کرد و با بیان نظریه‌ای جدید درباره توسعه اقتصادی، ارتباط بین بخش مالی و بخش حقیقی اقتصاد را بیش از حد خواند. بر این اساس، می‌توان عنوان کرد که اثرگذاری نسبت بخش پولی بر بخش حقیقی و توسعه اقتصادی امری اثبات شده است. شومپیتر در ارتباط با ماهیت پیوند بین بخش پولی و بخش حقیقی می‌نویسد[۲]: «به ازای هر جریان حقیقی(کالا و خدمات) یک جریان پولی وجود دارد که درست در خلاف جهت جریان کالا برقرار است.» این جمله به خوبی پیوند و ارتباط ناگسستنی بین بخش پولی و بخش حقیقی اقتصاد را بیان می‌کند.

موضوع ارتباط بخش واقعی با بخش مالی، برای کشور ایران، نیز توسط آقایان دکتر محمود ختایی، ولیا... کرمی قهی و همچنین خود محقق مورد بررسی قرار گرفته است. در هر یک از مطالعات انجام شده، از نظر خاصی به موضوع نگاه شده است، به طوری که مثلاً: در کار آقای کرمی قهی هیچ مدلی ارائه نشده و کار تحقیقی انجام شده طی یک سری مباحث نظری در چهار بخش تحت عناوین:

۱- بخش مالی و نقش آن در توسعه اقتصاد.
۲- انواع مؤسسات مالی و ساخت‌های مالی.
۳- خصوصیات عمده بخش مالی در کشورهای در حال توسعه.

---

[1]-Gold Smith, R.W(1969), "Financial Structure and Development". New Haven, Corn: Yale University Press.

Camcron , Rondo , et al, (1967), "Banking in the Early Stages of Industrialization", New York, Oxford University Press.

[2]-Schumpeter, J.A.,"The Theory of Economic Development", 1991.

۴- کارآیی و اهمیت بخش مالی در اقتصاد ایران،ارائه شده است.[۱]

در مقابل، کار مطالعاتی دکتر محمود ختایی ، علاوه بر اینکه از یک دیدگاه نظری برخوردار است، دیدگاه راس لوین را که مبتنی بر یک الگوی اقتصاد سنجی است؛ مطرح و همین مدل را برای اقتصاد ایران تخمین زده است.[۲]

۲-۲- بررسی ارتباط بخش مالی با بخش حقیقی

برای تبیین ارتباط بین متغیرهای بخش حقیقی و متغیرهای توسعه مالی، در ابتدا همبستگی بین این متغیرها را برای دوره زمانی ۷۸-۱۳۶۸ مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس با استفاده از نرم افزار Eviews.3 ، جهت و اندازه اثر احتمالی متغیرها بر روی هم را (به صورت ترسیمی) آشکار خواهیم ساخت. اما قبل از این کار، شاخص‌ها و متغیرهای تبیین کننده دو بخش مالی و حقیقی را معرفی می‌کنیم.

الف-معرفی شاخص‌های تبیین کننده بخش مالی و بخش حقیقی

- شاخص‌های تبیین کننده توسعه مالی

$$\text{DEPTH} = \frac{M2}{GDP} = \frac{\text{نقدینگی}}{\text{تولید ناخالص داخلی}}$$

این متغیر، شاخصی است برای بیان اندازه واسطه‌های مالی رسمی به فعالیت‌های اقتصادی؛

$$\text{PRIVY} = \frac{\text{تسهیلات سیستم بانکی به بخش خصوصی}}{\text{GDP (تولید ناخالص داخلی)}}$$

$$L1 = \frac{\text{تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش کشاورزی}}{GDP}$$

$$L2 = \frac{\text{تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش خدمات}}{GDP}$$

---

[۱] -کرمی قهی،ولی‌ا... ، جایگاه و نقش بخش مالی در اقتصاد واقتصاد ایران،تازه‌های اقتصاد،شماره‌های ۵۷ الی ۶۰.

[۲] - ختایی،محمود. گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی،بهار ۱۳۷۸.

$$L3 = \frac{\text{تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش صنعت}}{GDP}$$

$$SB = \frac{\text{حجم ریالی معاملات انجام شده در بورس}}{GDP} \quad ، \quad SI = \frac{\text{حجم سرمایه‌گذاری کل}}{GDP}$$

سرمایه‌گذاری ناخالص ملی = TI، حجم معاملات صورت گرفته در بورس =S

شاخص‌های تبیین کننده بخش حقیقی

ارزش افزوده بخش صنعت = VI ، رشد افزوده بخش خدمات = VS، ارزش افزوده بخش کشاورزی = VA، نرخ تورم = PI، نرخ بیکاری = UN، رشد اقتصادی = RG.

اطلاعات و آمار مربوط به هر یک از متغیرهای فوق را می‌توانید در جدول‌های (۱-۲و۲-۲) ملاحظه کنید.

جدول ۱-۲- شاخص‌های تبیین کننده بخش مالی

سال	M2	PRIVY	L1	L2	L3	TI	S	GDP
۶۸	۱۸۷۵۳	۹۶۹۷/۵	۱۶۹۱/۲	۱۹۷۱/۸	۵۲۴۷/۲	۳۷۰۹/۲	۱۱/۰۱۳۹۷	۲۷۰۲۸/۸
۶۹	۲۲۹۷۰	۱۳۱۵۶/۹	۲۱۳۳/۸	۲۵۵۷/۹	۷۱۱۶/۶	۵۶۶۲/۶	۶۴/۶۸۷۲	۳۵۷۵۵
۷۰	۲۸۶۲۸	۱۸۱۸۳/۳	۲۹۴۹/۱	۳۳۳۴/۳	۵۴۱۲/۲	۱۰۸۴۴۹	۴۷۸/۳۲۶۱	۴۸۶۷۲/۶
۷۱	۳۵۸۶۶	۲۳۴۶۸	۳۶۵۶/۸	۳۹۸۳/۹	۱۳۹۳۶/۹	۱۴۶۴۰/۳	۳۵۲/۰۷۸۱	۶۴۴۰۰/۸
۷۲	۴۸۱۳۵	۳۰۵۷۴/۸	۴۸۶۲/۹	۵۱۰۸/۹	۱۸۰۰۳/۳	۲۰۶۵۷/۴	۵۱۵/۶۸۸۸	۹۳۵/۸
۷۳	۶۱۸۴۴	۳۷۷۱۹/۸	۶۱۸۴/۳	۶۳۹۵/۲	۲۲۷۸۸/۳	۲۹۸۵۳/۱	۹۹۳/۳۹۹۰	۱۲۹۳۵۰/۸
۷۴	۸۵۰۷۲	۴۶۹۳۸/۶	۷۲۸۶/۴	۶۷۳۵/۴	۲۴۷۵۸/۱	۴۱۵۱۱	۲۰۱۶/۱	۱۸۰۸۰۰/۱
۷۵	۱۱۶۵۵۳	۶۱۴۳۹	۹۵۸۶/۸	۸۹۳۸/۹	۳۱۷۸۶/۹	۶۰۵۳۴/۳	۴۳۸۱/۶	۲۳۵۷۵۷/۲
۷۶	۱۳۴۳۱۳	۷۵۷۴۰/۱	۱۲۰۶۶/۰	۱۰۸۳۹/۶	۳۱۷۸۶/۹	۶۹۸۹۱/۶	۲۰۱۷/۶	۲۷۷۶۶۴/۸
۷۷	۱۶۰۴۰۲	۹۸۲۲۰	۱۵۱۵۷/۲	۱۴۳۷۶/۲	۴۶۸۱۹/۸	۷۲۴۴۵/۹	۳۱۷۰/۴	۳۲۷۵۹۵/۷
۷۸	۱۹۲۶۸۹	۱۳۷۹۱۳	۲۲۶۲/۹	۲۲۴۲۳/۴	۶۳۰۷۸/۶	۹۲۶۱۸/۸	۵۲۴۳/۶	۴۱۶۶۹۶/۷

جدول ۲-۲- شاخص‌های تبیین کننده بخش حقیقی

سال	VA	VI	VS	PI	UN	RC
۶۸	۶۶۶۹/۹	۴۶۲۹/۴	۱۴۱۶۲/۸	۱۷/۴	-	۴/۱۲
۶۹	۸۴۱۹/۱	۶۴۱۹/۸	۱۷۳۹۸/۹	۹/۰	۱۱/۶	۱۱/۵
۷۰	۱۱۲۲۱/۶	۹۷۷۸/۲	۲۴۱۹۲/۶	۲۰/۷	۱۱/۱	۱۰/۱
۷۱	۱۵۳۹۲۶	۱۲۹۵۲/۷	۳۰۸۹۰/۵	۲۴/۴	۱۰/۷	۵۱۹/۰
۷۲	۱۹۴۴۶/۱	۱۷۳۸۹/۹	۴۱۱۴۶	۲۲/۹	۱۰/۳	۴/۸
۷۳	۲۷۲۷۲/۸	۲۴۱۱۲۹	۵۴۵۲۸/۲	۳۵/۲	۹/۸	۱/۶
۷۴	۴۶۸۹۲/۱	۳۴۹۶۱۱	۷۵۸۶۲/۱	۴۹/۴	۹/۴	۴/۵
۷۵	۴۷۸۰۳/۲	۴۹۵۴۳/۱	۱۰۲۴۹۶/۲	۲۳/۲	۹/۱	۵/۸
۷۶	۵۵۸۱۹/۸	۶۱۷۹۴/۳	۱۳۰۰۲۶/۱	۱۷/۳	۱۲/۱	۳/۴
۷۷	۷۲۴۲۱/۵	۷۶۳۵۳/۲	۱۵۷۴۱۳/۵	۲۰/۰	۱۴/۳	-
۷۸	۸۶۹۹۶/۷	۹۴۹۰۸/۵	۲۰۰۲۲۷/۸	۲۲/۱	۱۶/۰	۷۸/۰

ب- بررسی نتایج حاصل از برآورد همبستگی بین متغیرهای بخش صنعت و بخش مالی

جدول (۳-۲) نشان دهنده ماتریس همبستگی طی دوره ۷۸-۱۳۶۸، برای متغیرهای بخش حقیقی و بخش مالی است. نتایج بدست آمده در این جدول، به غیر از ضریب همبستگی متغیر نرخ بیکاری، قابل قبول بوده و دقیقاً همان طوری است که پیش‌بینی می‌شد، نتایج حاصل از این جدول را می‌توان در دو مورد زیر خلاصه کرد:

۱- هرچه بازار پول و بازار سرمایه (حجم معاملات بورس) گسترش بیشتری پیدا کنند، می‌توان انتظار داشت که بخش حقیقی نیز در قالب ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت یک روند صعودی را تجربه کنند.

۲- گسترش و توسعه بازارهای مالی (بازار پول و بازار سرمایه) محیط مناسب را برای سرمایه‌گذاران (اعم از کسانی که ریسک گزیر یا ریسک‌پذیر هستند) آماده کرده و منجر به افزایش حجم سرمایه‌گذاران در کشور می‌شود. به منبع این امر، تورم که یکی از نمودهای عملکرد نادرست سیستم اقتصادی است، تا حدودی تعدیل خواهد شد.

جدول ۳-۲-ماتریس همبستگی طی دوره ۷۸-۱۳۶۸ بین متغیرهای بخش حقیقی و بخش مالی

متغیرها	VI	VA	VS	L1	L2	L3	S	TI	PI	UN	PRIVY
VI	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
VA	۰/۹۸۷۳۱۵	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-
VS	۰/۹۹۹۶۳۴	۰/۹۸۷۰۸۰	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
L1	۰/۹۸۳۰۱۴	۰/۹۶۶۷۱۷	۰/۹۸۶۹۱۲	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-
L2	۰/۹۶۶۴۴۱	۰/۹۴۷۸۱۳	۰/۹۷۱۶۸۱	۰/۹۹۶۸۱۷	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-	-
L3	۰/۹۸۴۱۳۲	۰/۹۷۷۸۳۳	۰/۹۸۶۸۰۸	۰/۹۸۸۰۴۷	۰/۹۸۰۷۳۳	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-
S	۰/۸۸۶۸۸۰	۰/۸۸۸۵۹۵	۰/۸۸۳۵۶۶	۰/۸۷۶۴۷۵	۰/۸۶۵۴۸۱	۰/۸۸۲۱۲۳	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-	-
TI	۰/۹۸۰۵۰۷	۰/۹۷۶۶۴۶	۰/۹۷۹۲۵۳	۰/۹۴۸۲۸۶	۰/۹۲۳۹۶۲	۰/۹۷۱۳۸۵	۰/۸۹۷۳۴۷	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-	-
PI	-۰/۰۳۰۴۴۲	۰/۱۱۲۷۰۶	-۰/۰۲۵۸۱۵	-۰/۰۳۵۱۶۴	-۰/۰۴۴۵۹۹	۰/۰۳۱۸۳۹	۰/۰۶۸۳۹۷	۰/۰۴۲۶۴۸	۱/۰۰۰۰۰۰	-	-
UN	۰/۷۱۵۰۲۲	۰/۶۵۴۴۷۰	۰/۷۲۱۹۷۶	۰/۷۷۲۳۴۱	۰/۷۹۲۳۶۳	۰/۶۹۹۷۲۸	۰/۴۷۱۷۴۵	۰/۵۸۲۶۲۹	-۰/۴۳۳۵۴۸	۱/۰۰۰۰۰۰	-
PRIVY	۰/۹۸۹۰۶۹	۰/۹۷۴۸۲۶	۰/۹۹۱۹۷۸	۰/۹۹۹۰۱۷	۰/۹۹۲۴۶۲	۰/۹۹۰۹۴۳	۰/۸۸۰۱۹۰	۰/۹۵۵۹۰۰	-۰/۰۲۸۵۲۷	۰/۷۶۴۱۲۸	۱/۰۰۰۰۰

VI = ارزش افزوده بخش صنعت
VS = ارزش افزوده در بخش خدمات
L2 = تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش صنعت
S = حجم معاملات صورت گرفته در بورس
PI = نرخ تورم
PRIVY = حجم معاملات سیستم بانکی در بخش خصوصی

VA = ارزش افزوده در بخش کشاورزی
L1 = تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش کشاورزی
L3 = تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش خدمات
TI = سرمایه‌گذاری ناخالص ملی
UN = نرخ بیکاری

روی هم رفته، از جدول فوق می‌توان این نتیجه کلی را بدست آورد که بین گسترش سیستم مالی و توسعه اقتصادی، یک رابطه مثبت وجود دارد. این نتیجه همسان نتیجه‌ای است که کینگ و لوین با بکاربردن یک مدل اقتصادسنجی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به آن دست یافته‌اند.

پ- بررسی تأثیر کارکردهای متغیرهای بخش مالی بر متغیرهای بخش حقیقی (روش ترسیمی)

جدا از اینکه هر یک از موضوعات، به زیر بحث گسترده‌ای به اندازه یک کتاب می‌ماند، در این قسمت؛ هدف، تبیین رابطه مثبت بین متغیرهای بخش حقیقی و بخش مالی – در قالب شاخص‌های انتخاب شده - می‌باشد.

تأثیرکارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده در بخش کشاورزی

تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش کشاورزی، از آنجا که امکان دسترسی افراد متقاضی به تجهیزات و منابع اولیه لازم برای این بخش اقتصادی را فراهم می‌کند، انتظار می‌رود که اثر مثبت و بسزایی در افزایش تولید بخش کشاورزی و افزایش ارزش افزوده این بخش داشته باشد[1]. روند یکسان متغیر L1 و VA را می‌توان دلیلی بر این ادعا دانست. از طرف دیگرگسترش بازار بورس و ازدیاد حجم مبادلات در آن - با فرض پذیرفته شدن شرکت‌های خصوصی - بیشتر در قالب شرکت‌های صنعتی و مکمل بخش کشاورزی، مانند: شرکت‌های تولید کننده آب میوه، کمپوت و ... و شرکت‌های بسته‌بندی، می‌توان نوید دهنده ضایعات کم در بخش کشاورزی،افزایش صادرات مواد غذایی و آنگاه ارزش افزوده در این بخش شود. درستی این موضوع در نمودار (۱-۲) با روند تقریباً مشابه S و VA ، در دهه ۷۰ برای ایران نیز قابل مشاهده است.

تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش خصوصی نیز همانند دو متغیر L1 و S ، با

[1] - با فرض اینکه تسهیلات در نظر گرفته شده برای این بخش، از مسیر و مقصد خود منحرف نشود، اثرات بیشتر این پیوند قابل مشاهده است.

فعال کردن بنگاه‌های تولید در بخش کشاورزی، اثر مثبتی بر افزایش ارزش افزوده این بخش می‌گذارد. این امر نیز در نمودار یاد شده، قابل مشاهده است.

تأثیر کارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده صنعت

بخش صنعت برای اینکه بتواند در عرصه تولید باقی بماند و متقاضیان خود را برای مدت طولانی حفظ نماید؛ بیش از دو بخش خدمات و کشاورزی، نیاز به تأمین مالی دارد. چرا که هر روزه باید خود را به آخرین تکنولوژی مجهز نموده و سلیقه‌های گوناگون مشتریان را بر روی کالای تولیدی اعمال کند، تا بتواند سهم خود را در بازار – حتی در یک فضای نه چندان باز اقتصادی، مانند ایران – حفظ کند. به روز کردن تکنولوژی برای جلب رضایت مشتری و از دور رقابت خارج نشدن، هزینه‌های زیادی را می‌طلبد که واحدهای صنعتی می‌توانند از سیستم بانکی و بازار سرمایه تأمین کنند. بنابراین، رابطه مثبتی بین متغیرهای S،VI و L3 پیش‌بینی می‌شود. این امر در نمودار (۲-۲) قابل مشاهده است.

هرچه به شرکت‌های خصوصی فعال در عرصه صنعت افزوده شود؛ رقابت بیشتر و تنگ‌تر می‌شود. این امر منجر به این می‌شود که خریدار گزینه‌های بیشتر داشته باشد و کادری را انتخاب کند که از هر حیث نظر وی را تأمین کند، ارزان باشد، با کیفیت باشد و بسته‌بندی مناسب داشته باشد و... تمامی اینها منجر به این می‌شود که بنگاه‌ها سعی در کم کردن هزینه‌ها و نوع‌آوری داشته باشند. افزایش شرکت‌های خصوصی فعال در عرصه صنعت خود منوط به فراهم بودن یک سری شرایط، از جمله: تأمین مالی از طرف سیستم بانکی است. بنابراین، یک رابطهٔ قیمت، بین تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش خصوصی و تحرک بخش واقعی در قالب افزایش ارزش افزوده بخش صنعت وجود خواهد داشت. این امر نیز در نمودار یاد شده مشاهده می‌شود.

نمودار ۱-۲- تأثیر کارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی

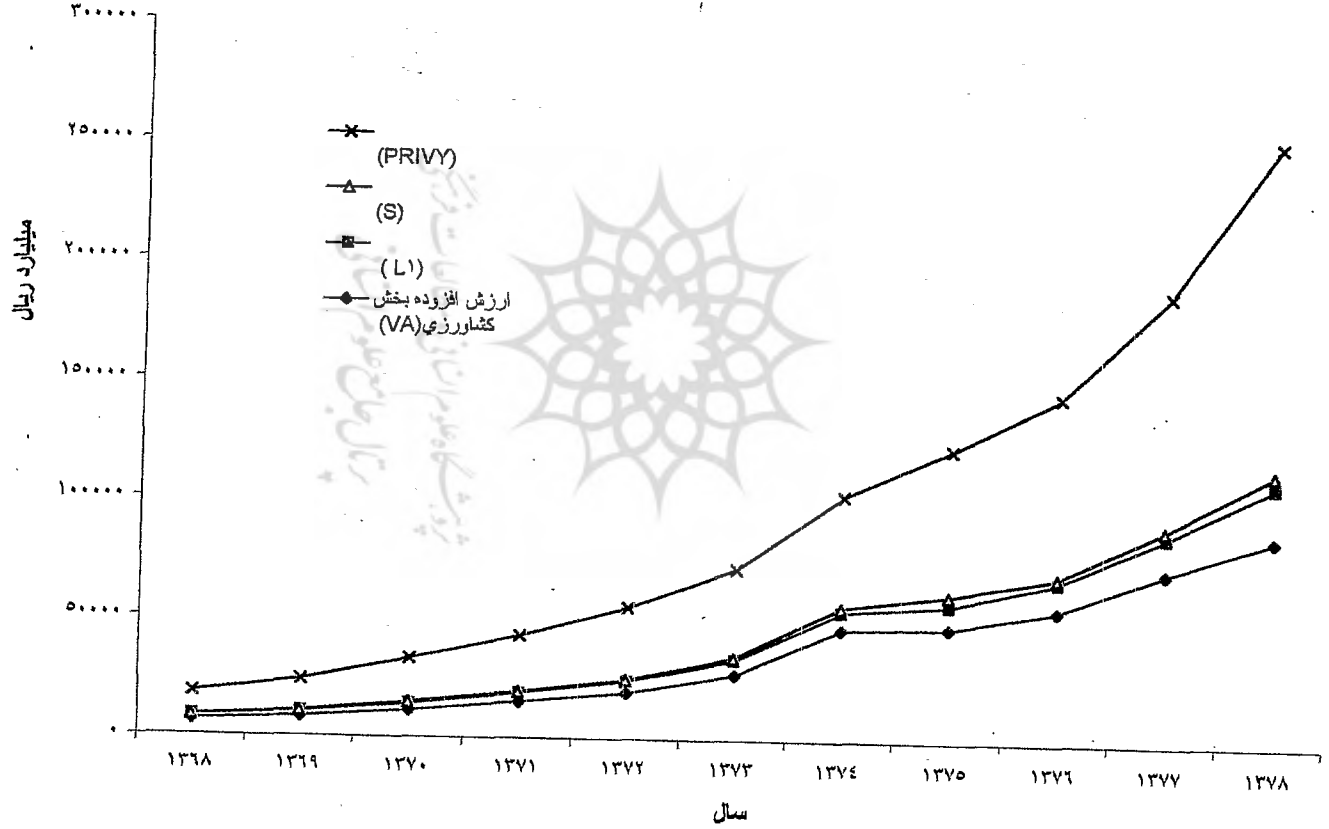

نمودار ۲-۳- تأثیر کارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده بخش صنعت

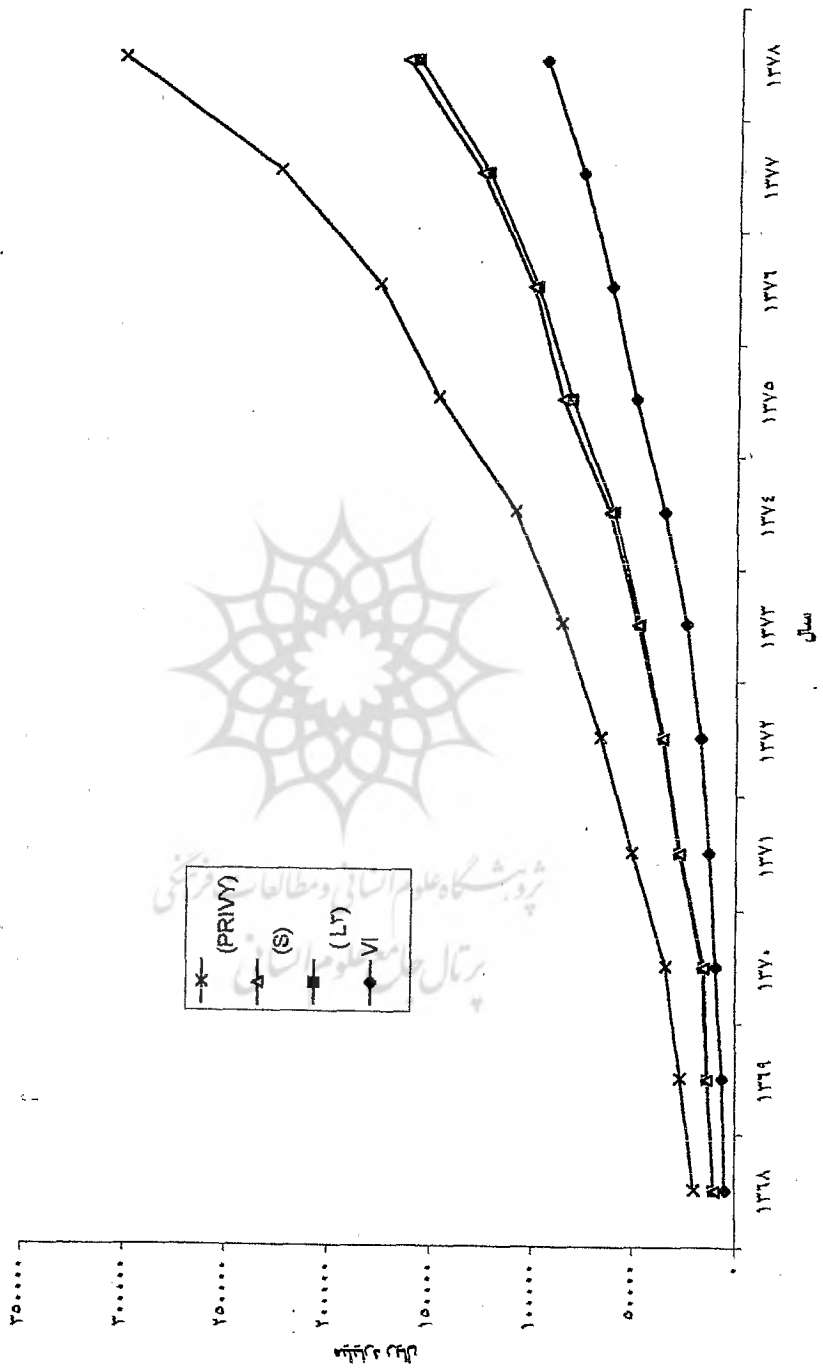

تأثیر کارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده بخش خدمات

ارزش افزوده بخش خدمات - که هم اکنون سهم بالایی از GDP کشورهای توسعه یافته را به خود اختصاص می‌دهد - نیز همانند ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت انتظار می‌رود که با متغیرهای بخش مالی رابطه‌ای مثبت داشته باشد. برای این موضوع، یک مثال خیلی ساده در نظر می‌گیریم که درعین سادگی گویای رابطه فوق نیز باشد. یک شرکت ارائه خدمات مهندسی را در نظر بگیرید. این شرکت برای اینکه بتواند جزء بهترین‌ها باشد، نیازمند تسهیلاتی است که بانک‌ها می‌توانند در اختیارش بگذارند. همچنین نیازمند سهامداران است که به پشتوانه آنها فعالیت خود را گسترش داده و به یک شرکت فراملیتی تبدیل شود که این زمینه را بیشتر بازار بورس می‌تواند فراهم کند. روند تقریباً مشابه متغیرهای LS،L2،VS و PRIVY در نمودار (۳-۲)، این موضوع را نشان می‌دهد.

تأثیر کارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده شاخص بیکاری

در دو قسمت قبلی نشان داده شد که گسترش بازار پول - در قالب تسهیلات پرداختی به بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی - و بازار سرمایه - در قالب پذیرش بیشتر شرکت‌ها در بورس و افزایش حجم معاملات در این بازار - منجر به افزایش فعالیت‌های اقتصادی در بخش یاد شده خواهد شد. این امر(یعنی تحرک اقتصادی)، خود شرکت‌های شغلی جدیدی نیز به وجود خواهد آورد که در کاهش نرخ بیکاری مؤثر است. بنابراین، انتظار می‌رود که بین متغیر UN با L1،L2 و L3، یک رابطه منفی برقرار باشد. این رابطه را می‌توان طی سال‌های ۷۵-۱۳۷۰ به خوبی ملاحظه کرد. اما در سال‌های قبل از ۱۳۷۰ و بعد از ۱۳۷۵، تقریباً یک رابطه مثبت بین متغیر NU با L1، L2 و L3، دیده می‌شود. این امر می‌تواند ناشی از دلایل متعددی باشد، که از جمله آنها عبارتند از:

۱- انحراف تسهیلات پرداختی به بخش‌های مختلف جهت سرمایه‌گذاری، ازهدف اصلی. به این معنی که، تحت عنوان سرمایه‌گذاری وام‌های زیادی اخذ می‌شود، ولی به دلایل مختلف برای سرمایه‌گذاری مصرف نمی‌شوند.

۲- با ورود یک تکنولوژی پیشرفته، ممکن است در یک واحد تولیدی یا خدماتی نیاز به نیروی انسانی کمتری احساس شود.

۳- تا سال ۱۳۶۹ ، بیشتر وامهای دریافتی از بانک‌ها، صرف بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و بعضاً نگه داشتن وضع موجود می‌شد و این امر هم فرصت‌های جدید زیادی را ایجاد نمی‌کرد.

روی هم رفته، با ملاحظه نمودار(۴-۲) می‌توان این نتیجه را گرفت که گسترش بازارهای مالی و پولی، منجر به کاهش و تعدیل معضل بیکاری در جامعه می‌شود.

تأثیر کارکردهای بخش مالی بر شاخص سرمایه‌گذاری ناخالص ملی

پیش فرض ضمنی ما، در طی این مقاله، این بود که تسهیلات پرداختی سیستم بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی و گسترش معاملات در بازار بورس، افزایش سرمایه‌گذاری را به همراه دارد. ولی اینکه در واقعیت (طی دهه ۷۱) در ایران نیز این اتفاق افتاده است یا نه، سؤالی است که با توجه به نمودار (۵-۲) می‌توان به آن جواب مثبت داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۳-۲- تأثیر کارکردهای بخش مالی بر ارزش افزوده بخش خدمات

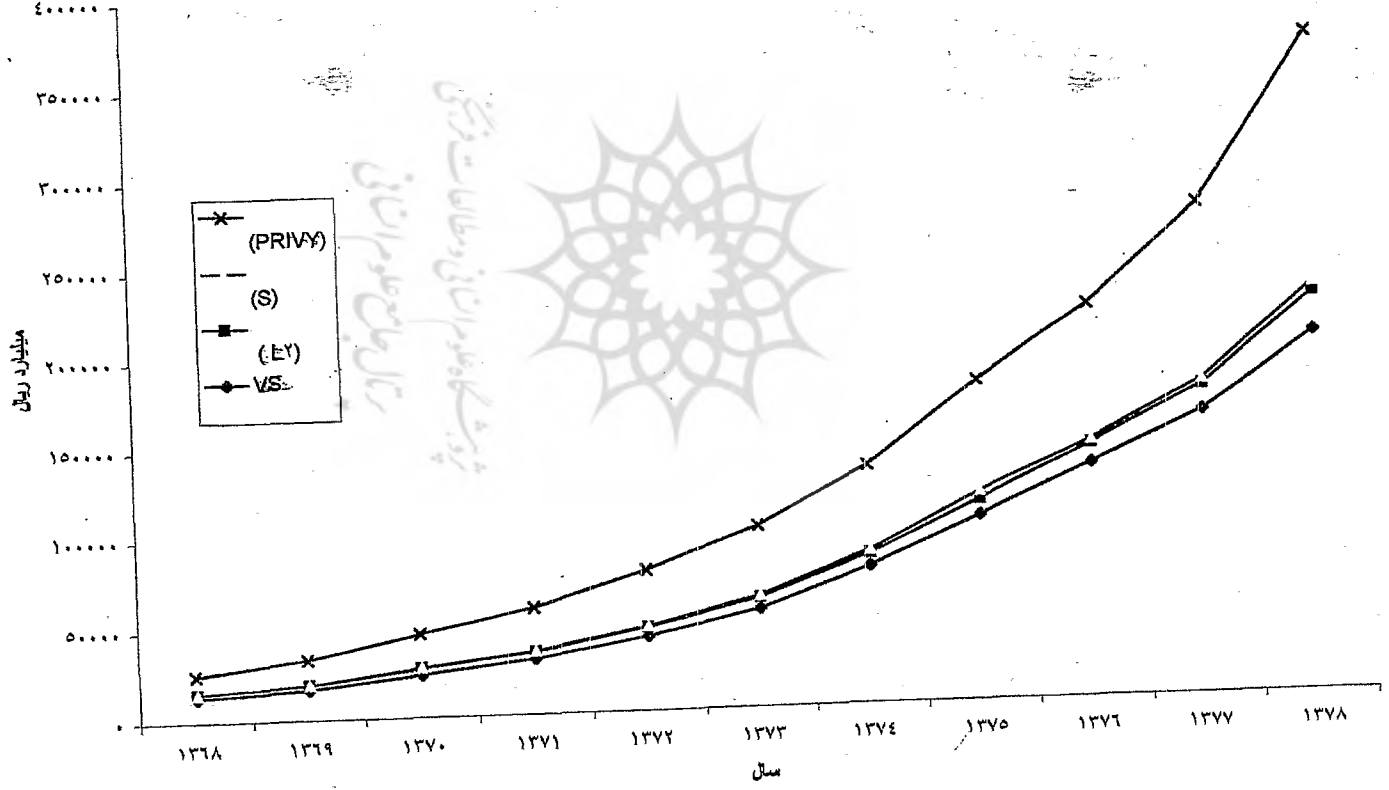

نمودار ۴-۲- تأثیر کارکردهای بخش مالی بر روی شاخص بیکاری

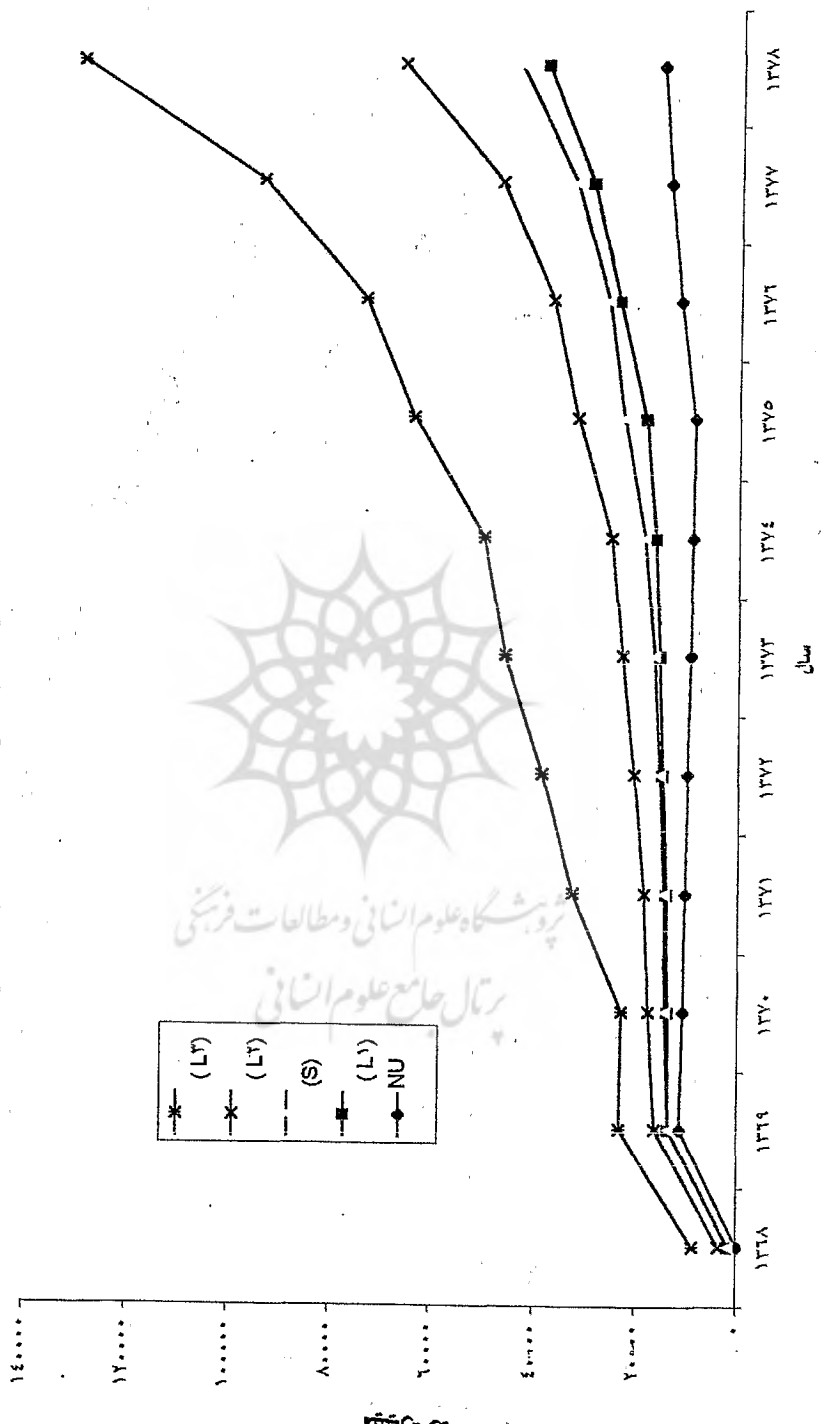

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۵-۲- تأثیر کارکردهای بخش مالی بر رشد سرمایه‌گذاری ناخالص ملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

۱- بررسی فعالیت بورس اوراق بهادار در ایران، طی سه دوره (۵۷-۱۳۴۵) ، (۶۸-۱۳۵۷) ، (۷۸-۱۳۶۸)، بیانگر این موضوع است که هنوز اقتصاد ایران از این ابزار مهم، به صورت مناسب بهره نمی‌گیرد. چرا که هنوز سهم معاملات انجام شده در بورس از GDP کشور مقداری اندک بوده و تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در این بازار نیز از ۳۰۰ شرکت تجاوز نمی‌کند.

۲- با نگاهی به تحولات سیستم بانکی، طی دو برنامه اول و دوم، می‌توان دریافت که نسبت به بازار سرمایه، بازار پول از وسعت و عملکرد بهتری برخوردار است و این امر حاکی از آن است که ساختار مالی ما مبتنی بر محوریت بازار پول است. شایان ذکر است که در کشورهای توسعه یافته‌تر، معمولاً بازار سرمایه محور اصلی تأمین مالی است و در مقابل در کشورهای در حال توسعه، بازار پول در کانون ساختارمالی قرار دارد.

۳- در یک نگاه اجمالی به سیستم پولی کشور می‌توان محدودیت‌های اعمال شده به آن را - به ویژه بعد از انقلاب - در اشکال مختلفی چون:

الف- نرخ سپرده قانونی.

ب- اوراق قرضه دولت.

ج- سقف‌های اعتباری.

د- نرخ سود مورد انتظار.

هـ- نرخ سود سپرده‌ها، ملاحظه کرد.

۴- در ایران نیز همانند سایر کشورها، مؤسسات مالی و غیر بانکی – به عنوان مکمل بازار پول و سرمایه – بوجود آمدند. که از جمله آنها می‌توان به شرکت پست بانک، صندوق‌های بازنشستگی، مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد، مؤسسه اعتباری کارآفرینان، مؤسسه اعتباری توسعه صنعت ساختمان و مؤسسه اعتباری سامان اقتصاد اشاره کرد.

۵- بررسی ارتباط بین بخش حقیقی با بخش مالی، به واسطه ضریب همبستگی ساده طی دوره ۷۸-۱۳۶۸ در ایران، حاکی از وجود یک رابطه مثبت بین این دو بخش است. به عبارت دیگر؛ می‌توان مدعی شد که کارکرد ناقص یکی ازاین دو بخش، منجر به این می‌شود که ما به رشد و توسعه اقتصادی نرسیم و بر عکس، کارکرد صحیح این دو بخش است که ما را به هدف رشد و توسعه می‌توانند رهنمون کند. این ارتباط به صورت ترسیمی نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه قبلی را تأیید می‌کند.